

تحلیل اقتصادی - اجتماعی از تجارت مواد مخدر در جهان

صلاح الدین قادری^۱

چکیده

بی‌ثباتی سیاسی، احترام اندک به نقش قانون، استانداردهای پائین معیشت و شرایط مناسب رشد خشخاش یا کوکا در رشد قاچاق بین‌المللی مواد داشته‌اند. خشونت در تجارت قاچاق، چه بین‌المللی و چه داخلی رایج است. کلمبیا مرکز صنعت جهانی کوکائین است. کلمبیایی‌ها مجبور به استفاده از کشتی در کارائیب بودند اما اکنون از مکزیکی عبور می‌کنند، جایی که بهای آن نصف بهای کشتی است. قاچاقچیان مکزیکی اجازه یافته‌اند که بوته‌های خشخاش داخلی به هروئین تبدیل شوند، کوکائین کلمبیا به ایالات متحده قاچاق می‌شود و متامفتامین هم تولید و توزیع شود. مثلث طلایی آسیای جنوب شرقی، یکی از مناطق عمده تولید خشخاش (تریاک) است، آنجا که فروش مواد، جنگ‌های چریکی زیادی در میانمار به خود دیده است، هروئین تولید شده معمولاً در تایلند مورد دلالی قرار می‌گیرد. هلال طلایی آسیای جنوب غربی همچنین آب و هوای ایده‌آلی برای تولید خشخاش دارد، که پول لازم برای سلاح‌های مورد نیاز گروه‌های رقیب را در استان‌های مرزی شمال غربی پاکستان و افغانستان فراهم می‌آورد. نیجریه یکی از مراکز عمده حمل و نقل هروئین از هلال طلایی و کوکائین برزیلی است. دومینیک‌ها تجارت کوکائین سطح متوسط را در نیویورک و نیوانگلند تحت سلطه دارند، سازمان‌های تبهکاری سیاهان در بسیاری از شهری بزرگ مثل نیویورک، دیترویت، شیکاگو، فیلادلفیا و واشنگتن به فعالیت در تجارت هروئین مشغولند. تجارت خیابانی مواد اصولاً بوسیله باندها صورت می‌گیرد؛ یعنی باندهای فرهنگی و باندهای کارفرمایی.

قاچاقچیان مواد از بسیاری روش‌ها برای تطهیر مبالغ عمده پول نقدی که دریافت می‌کنند، بهره می‌گیرند؛ شامل: مبادله پول، سمورف‌ها، انتقال الکترونیک و شرکت‌هایی که فقط بر روی کاغذ وجود دارند. (شرکت‌های کاغذی)

کلید واژگان: تجارت مواد مخدر، گروه‌های سازمان یافته تبهکاری، تجارت کوکائین، تجارت خیابانی مواد، تطهیر پول

۱- این مقاله که توسط هوارد آبادینسکی به رشته تحریر در آمده است فصلی است از کتاب مقدمه ای بر مواد که به صورت مقاله توسط صلاح الدین قادری ترجمه شده است.

مقدمه

وقتی داد و ستد کالایی با تقاضایی انعطاف ناپذیر را - بدون توجه به عواقب و اثرات آنچه فکر می‌کنیم، در صدد انجام آن هستیم - غیرقانونی اعلام می‌کنیم، در واقع نوعی سود انحصاری برای کارآفرینی تامین کرده ایم که قصد قانون شکنی دارد. این اقدام یعنی به او هشدار داده‌ایم که با غیرقانونی و مخاطره آمیز کردن این فعالیت مانعی بر سر راه آن قرار داده‌ایم و در صورت پذیرش این خطر از سوی او، باید با مخالفان چنین کارهایی به رقابت بپردازد. البته اگر در این فرایند او به دام قانون بیفتد، از آن تجارت برکنار خواهد شد ولی تا قبل از این، آزاد است میوه‌هایی را که در این فضای گرم برایش فراهم شده، جمع‌آوری کند. (هربرت. ال. پاکر^۱، ۱۹۸۸؛ ص ۲۷۹)

این مقاله، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر (که هر برآورد سالانه آن را چند میلیون دلار می‌دانند) را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگرچه تولیدش غیرقانونی است ولی این بازار پر تقاضا، با سطحی از آزادی وصف شده است که آدم اسمیت هرگز نمی‌توانست آن را مجسم کند. این بازار کاملاً تهی از محدودیت‌های قانونی است و قیمت‌ها و منافع در آن تنها براساس قانون عرضه و تقاضا کنترل می‌شود. در واقع شبیه سازمان اپک (OPEC) که به قیمت نفت واکنش نشان می‌دهد، سازمان‌های واردکننده مواد مخدر مکزیکی و کلمبیایی گاهی اوقات با انبار کردن مواد موجود به کمبودهای مصنوعی متوسل می‌شوند تا از این طریق کمبود مواد مخدر و بالا بردن قیمت عمده فروشی را موجب شوند. (فونتس و کلی^۲، ۱۹۹۳؛ ص ۳۳۱)

همانند تمام صنایع عمده، در بازار مواد مخدر هم سطوح کارکردی مختلفی مانند: تولیدکنندگان، واردکننده‌ها، عمده‌فروشان، توزیع کنندگان، خرده‌فروش ها و مصرف کنندگان وجود دارد. فعالان عرصه تجارت مواد مخدر متشکل از کارتل‌های قدرتمند بین‌المللی تا عاملان خیابانی هستند که مواد را به شخص معتاد می‌رسانند. در سطح تولید و واردات، معمولاً تجارت مواد مخدر توسط افراد معدودی انجام می‌شود که ریاست سازمان‌های عمده قاچاق را در اختیار دارند و در سطح

۱- Herbert L. Packer

۲- Fuentess & Kelly

خرده‌فروشی تعدادی بی‌شماری افراد به فروش و مصرف مواد مخدر مشغول هستند که عده آنها متغیر است. از آنجا که در سطوح بالای تجارت مواد مخدر افراد اغلب رابطه خویشاوندی و قومی دارند، در این مقاله به کرات به سازمان‌های جنایی قومی اشاره می‌کنیم.

قاچاق مواد مخدر به آمریکا هم از طریق کشورهای تولیدکننده (منبع اصلی) و هم از طریق سایر کشورها (آنها که نقش واسطه انتقال را بر عهده دارند)، انجام می‌شود؛ زیرا قاچاقچیان معمولاً ممکن است برای جلوگیری از ایجاد سوء ظن محموله را از راه‌های پریپیچ و خم به مقصد برسانند. به عنوان مثال ممکن است کوکائین از کلمبیا به قاره آفریقا ارسال شده و از آنجا به عنوان بخشی از کالای قانونی و مشروع از طریق دریا به ایالات متحده منتقل شود. قایق‌های تفریحی و صیادی مواد مخدر را همراه با سایر کالاها حمل می‌کنند. آنها از قایق‌هایی ساخته شده از چوب و پشم شیشه و در اندازه ۴۰ فوت استفاده می‌کنند که شناسایی و ردیابی آنها از طریق رادار مشکل است. قاچاقچیان همچنین از هلیکوپتر، محل‌های بارگیری در فرودگاه‌های مخصوص و حتی بزرگراه‌های متروک، برای حمل بارهایشان استفاده می‌کنند.

قاچاق بین‌المللی مواد مخدر^۱

به مدت چند دهه، تجارت هروئین در داخل ایالات متحده عمدتاً به وسیله گروه‌های سازمان یافته سنتی و قدیمی تبهکاری اداره می‌شد که در داخل کشور زندگی و کار می‌کردند. در یک شبکه قاچاق مواد مخدر که به عنوان رابط فرانسوی شناخته شده است، خانواده‌های اساساً تبهکار نیویورک، هروئین را از منابع کارسیکن^۲ خریداری می‌کنند، یعنی کشاورزان فرانسوی که از ماری برای کار حمل مواد مستقیماً وارد ایالات متحده می‌شوند. در نهایت هروئین در داخل آمریکا به وسیله سازمان‌های جنایی خانوادگی به دست‌توزیع کنندگان خیابانی می‌رسد که با کمترین درآمد به پخش مواد مبادرت می‌کنند. در سال ۱۹۷۲، رابطان فرانسوی به طور کامل از سوی آژانس مواد مخدر آمریکا و فرانسه از بین رفت. این پایان انحصار مافیای داخلی توزیع هروئین در آمریکا بود.

۱- غیر از سایر نقل قول‌ها، که در متن به صورت مستقیم آورده شده تمامی اطلاعات از اداره امور اجرایی مواد مخدر ایالات متحده (D.E.A) ذکر شده است.

۲-Corsican

از بین رفتن رابط فرانسوی که با ظهور بلادرنگ اتحادیه های جنایی که در کلمبیا پایه گذاری شده بود، تاثیر زیادی بر تجارت بین المللی مواد مخدر گذاشت. این قاچاقچیان جدید کوکائین را در مقیاس کلان وارد آمریکا و به اقدامات بی سابقه در حوزه موادمخدر و سایر قانون شکنی ها پرداختند. در فاصله سال های دهه ۸۰ و ۹۰ اتحادیه های بین المللی جنایی با تحت تاثیر قراردادن گروه های جنایی داخلی و افزایش ثروت و تسلط خود بر تمام جوانب تجارت مواد مخدر در آمریکا ادامه دادند.

امروزه قاچاق مواد مخدر غیر قانونی از مرحله تولید تا فروش خیابانی بوسیله اتحادیه سازمان یافته جنایی بین المللی از کلمبیا، مکزیک و سایر کشورها کنترل می شود. از مرکز فرماندهی آنها اربابان خارجی مواد مخدر مقادیر فراوانی کوکائین، متامفتامین، هروئین و ماری جوانا را در خارج از آمریکاتولید و پخش می کنند.

این قاچاقچیان بر کارکنان محل کارشان مانند تولید، حمل و نقل، توزیع، پول شوئی، ارتباطات، امنیت و استخدام کنترل شدیدی اعمال می کنند. آنها از تکنولوژی های برتر نظیر هواپیمای پیشرفته، قایق، خودروها، رادار، تجهیزات ارتباطی و تسلیحاتی برخوردارند که از طریق خریدن آن را به دست آوردند. همچنین، این قاچاقچیان امکانات ضد اطلاعاتی و شبکه های حمل و نقل وسیعی برپا کرده اند.

کلمبیا

کنترل عمده صنعت قاچاق کوکائین هنوز هم در دست سازمان های کلمبیایی است؛ یعنی تنها کشور آمریکای جنوبی با جمعیتی حدود ۲۶ میلیون نفر که خط ساحلی با اقیانوس آرام و دریای کارائیب را در اختیار دارد. کلمبیا از جمله کشورهای است که به وسیله مبارزه سیاسی از هم گسسته، نظیر جنگ داخلی در سال های ۱۹۰۲، ۱۹۴۸، لاویدنسیا^۱ که به عنوان جنگ داخلی سال های ۱۹۵۸ - ۱۹۴۸ شناخته شده است منجر به کشته شدن ۳۰۰۰۰۰ نفر شد. (Riding) (۱۹۹۷) هنگامی که لیبرال ها و محافظه کاران جبهه ملی تشکیل دادند، جنگ پایان یافت اما گروه های مارکسیستی به تهدید ثبات دولت مرکزی ادامه دادند. نه تنها قتل های فراوانی رخ می داد بلکه روش های به کار گرفته شده در این رابطه اغلب آزاردهنده بود؛ مانند Cort de corbata که طی آن گلو از درازا بریده شده و زبان بیرون کشیده می شد تا مانند یک کراوات

۱- Lavidencia

آویزان باشد. و یا قتل به شیوه (no dejar la semilla) که شامل اخته کردن قربانیان مرد و اعدام زن و بچه‌ها بود. (ولفگانگ و فراکوتی^۲، ۱۹۷۷)

خشونت هرگز پایان نمی یابد

در کلمبیا قاچاقچی‌های مواد، نمونه‌ای از کمبود اعتقاد و اطمینان به سیاست‌های قانونی کشور و سازمان‌های اقتصادی هستند. قانون شکنی (هر نوع قانونی) قابل توجیه است و فقط به دلایل اقتصادی معمولی نیست که مطلوب جنایتکاران است. از دید قاچاقچیان، قانون، ماموران اجرای قانون، عوامل مواد ایالات متحده و سازمان‌های کنترل مواد مخدر همگی به منزله بازنمایی نخبگان سستی، امپریالیسم بین‌المللی، یا منافع اقتصادی رقابت بین‌المللی هستند و هیچ یک از این قوانین دارای موقعیت اخلاقی تاریخی آنان نیستند. بنابراین، بحث‌های اخلاقی در مورد رفتارهای بازدارنده خشونت توجه این افراد را جلب نمی‌کند و به قاچاقچیان اجازه می‌دهد که در قسمت‌های مختلف حامیان مشتاقی را دور خود جمع کند. (تولیس^۱، ۱۹۹۵؛ ص ۶۶) در عمق خشونت کلمبیایی‌ها، بی‌اعتنایی قابل توجهی نسبت به مرگ وجود دارد (رومولی^۲، ۱۹۴۱؛ ص ۳۷). میزان آدمکشی در کلمبیا ده برابر بیشتر از میزان آن در ایالات متحده است. آدمکشی یکی از علل اصلی مرگ مردان ۱۵ تا ۴۴ ساله است (اسکمو^۳، ۱۹۱۷). این کشور دارای بیشترین تعداد قتل کودکان در دنیاست. بچه‌های خیابانی هم‌دیگر را می‌کشند و صدها تن از آنها به وسیله مجریان مبارزات پاکسازی اجتماعی کشته می‌شوند. (هات^۴، ۱۹۷۵).

در این فضای اجتماعی - سیاسی، راهزنان آزادانه می‌گردند و جذب گروه‌های سرقت، تروریسم و انقلابی می‌شوند. در شهرهای شمالی بارانکویلا و سانتامارتا و لاگواجیرا گروه‌های قاچاقچی به مدت چند دهه فعال هستند. دزدان، قاچاقچیان مواد و سرخپوستان گواجیرا اغلب از سوی تجار بوگوتا حمایت مالی می‌شوند و به عنوان گروه‌های جنائی یا سازمان‌های زنجیره‌ای فروش مواد ظاهر شده‌اند. اعضای این گروه‌ها اغلب از طریق خونی یا ازدواج خویشاوند هستند. در کشوری

۲-Wolfgang and Ferracuti ۱۹۷۷

۱- Tullis

۲- Romoli

۳- Schemo

۴- hutt

که اربابان مواد مخدر همچون دولتی در دل دولت فعالیت می‌کنند، گروه‌های شبه نظامیان تجارت مرگبار خود را در درون و بیرون شهرها انجام می‌دهند و بعضی وقت‌ها خود را به خریداران بالاتر می‌فروشند، به طوری که قضات و افسران تهدید شده و ماموران دولت در دستگیری و بازداشت آنها احساس ناتوانی می‌کنند. (دلئون^۱، ۱۹۸۶ و دوزان^۲، ۱۹۹۴). این شبه نظامیان گاه با قاچاقچیان مواد مخدر هم پیمان شده و گاه با آنان مبارزه می‌کنند و به این طریق حمایت‌های مالی را از اربابان ثروتمند دریافت می‌کنند.

نقش کوبا در واردات کوکائین کلمبیا

واردات کوکائین به ایالات متحده تا قبل از سال ۱۹۷۰ بیشتر توسط عاملان کوبایی انجام می‌گرفت، هر چند که عرضه‌کنندگان کلمبیایی بودند. هنگامی که فیدل کاسترو رژیم دیکتاتوری فاسد فولگنسیو باتیستا را در سال ۱۹۵۹ واژگون کرد، گانگسترهای آمریکایی را که قمار خانه‌های هاوانا را اداره می‌کردند به همراه دستیاران آنها و قاچاقچیان که کوکائین را در کوبا توزیع می‌کردند، از کشور بیرون کرد. آنها ابتدا در شهرهای نیویورک، نیوجرسی و میامی مستقر شده و منابع درآمدی جدید را جستجو کردند. بسیاری از کوبایی‌های فراری و طرفداران حکومت باتیستا در تلاش برای بیرون راندن فیدل کاسترو، از سوی سازمان سیا سازماندهی شدند. اما پس از شکست در سال ۱۹۶۱، با همکاری سازمان سیا ارتش در تبعید کوبا را به منظور انحلال و ورود به تجارت قانونی سازماندهی کردند، به طوری که دونالد گودارد (۱۹۷۸: ۴۲) می‌گوید آنها هیچ کار قانونی نداشتند و عناصر این گروه اخراجی شروع به قاچاق کوکائین کردند. آنها ابتدا به میزانی کوکائین وارد می‌کردند که نیاز خود را برطرف کنند ولی در اواسط دهه ۱۹۶۰ بازار آنها از جامعه کوباییان فراتر رفت و شروع به وارد کردن مقادیر بیشتری از کوکائین کردند.

در طول نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ مهاجرت کلمبیایی‌ها به ایالات متحده چنان افزایش یافت که برای بنیان نهادن اجتماعی در میامی، شیکاگو، لوس‌آنجلس و نیویورک کافی بود. آنها مهاجرانی غیرقانونی بودند که با مدارک جعلی از طریق باهاما وارد آمریکاشده بودند؛ با شناسنامه جعلی پورتوریکویی و یا اوراق مهاجرت جعلی با کیفیت بالا. قاچاقچیان کلمبیایی به این ترتیب، هم در ایالات متحده و هم در کلمبیا سازماندهی شدند. در ۱۹۷۳ ملیت‌های خارجی مستقل

۱- deleon

۲- Duzan

نمی‌توانستند به قاچاق مواد مخدر در کلمبیا ادامه دهند. در سال ۱۹۷۶ کلمبیایی‌ها از عاملان کوبایی خود در ایالات متحده ناراضی شدند، زیرا سود بسیاری برده بودند و کلمبیایی‌ها را در معامله بی‌نصیب گذاشته بودند. عاملان، اغلب مردان جوان کلمبیایی بودند که از غرب وحشی، شامل فقرای مدین از پنینسولای گواجیرا و یا از باریو آنتیوکویا اعزام شده بودند تا کوبایی‌ها را در میامی و نیویورک اعدام کنند. در سال ۱۹۷۸، کوبایی‌هایی که همچنان به تجارت کوکائین می‌پرداختند، تحت فرمان کلمبیایی‌ها درآمدند. پس از آن جنگ‌های کوکائین بین کانگسترهای کلمبیایی رقیب شروع شد و ترور را به فلوریدا، جنوبی بردند. این عاملین در کار خود خیره بودند (مووات^۱، ۱۹۹۱) و با قطع عضو و شکنجه افراد مورد نظر و خانواده آنها آشنا بودند در این بین زنان و بچه‌ها و حتی حیوانات خانگی هم معاف نبودند.

پرورش و قاچاق کوکائین در کلمبیا

اعتبارنوسازی اقتصادی کلمبیا به دلیل شکست دولت در ادامه طرح مقابله با توسعه قاچاق کوکائین از دست رفته است و ادامه خشونت‌ها به روند مشروعیت زدایی دولت کمک کرده است. تلاش برای یافتن مشروعیت، قاچاقچیان را تحریک کرد تا از طریق صادرات انواع حیوانات اهلی، جواهرات و قهوه، فرایند پول شوئی قاچاق مواد مخدر را دنبال کنند. تمایل کلمبیایی‌ها به تداوم خشونت و سابقه جنائی طولانی آنها به رقبای مستعد بولیویائی و پروئی امکان تسلط بر بازار کوکائین را داد. همچنین، دیگر خصوصیات کلمبیایی‌ها مانند اعتقاد به قضا و قدر و مشیت الهی و تفکرات متصلب شخصی، امکان تقسیم و مشارکت بازار را به بولیویایی‌ها و پرویی‌ها داد. این تصویر متغیر با تصورات شخصی و غیر قابل تغییر مجریان قانون برای کنترل اقدامات خطرناک متفاوت بود. خصوصیت نخبگان مالی کلمبیا در کسب منافع سرشار کوتاه مدت موجب شد تا تمرکز بر سرمایه داری مبتنی بر بورس بازی را به عنوان منبعی برای گسترش قاچاق کوکائین فراهم کنند (ثومی^۲، ۱۹۹۵).

کلمبیا تقریباً کشوری بزرگ است و اغلب مناطق حضور فدرالی ضعیفی دارند، به طوری که وقتی مسؤولان کلمبیایی ساخت بزرگ راه‌ها در شهرهای اصلی و حومه را آغاز می‌کنند، بسیاری از بخش‌های کشور را فراموش می‌کنند. به همین دلیل، بسیاری از مناطق روستایی کلمبیا به وسیله

۱- Mowatt

۲- Thoumi

زمین‌های تپه مانند بدون راه از هم جدا شده‌اند (دوزان، ۱۹۹۴؛ ص ۶۳). سه رشته کوه پرشیب آند در طول کلمبیا کشیده شده است و جنگل غیرقابل نفوذ جنوب را پوشانده است. به همین دلیل دولت کلمبیا کنترلی بر این نیمه از کشور ندارد و از ابتدا نیز چنین بوده است. (رابینسون، ۱۹۹۸؛ ص ۳۹) در واقع، فقدان حضور دولت مرکزی شرایط ایده‌آلی را برای کشت کوکا و تولید کوکائین فراهم کرده‌است؛ زیرا این مناطق به وسیله مأموران محلی اداره می‌شود که آنها هم با دریافت رشوه عملی راحت و کم خطر را انجام می‌دهند. (تومی، ۱۹۹۵) در سال ۱۹۹۸ کلمبیا به عنوان بزرگترین تولیدکننده کوکائین در دنیا شناخته شد و پرو به رده دوم سقوط کرد (جوئیرینگ^۱ ۱۹۹۸) اما کیفیت کوکای کلمبیا از نظر اهمیت کمتر از کوکای پرورش یافته در پرو و بولیوی است و در واکنش نسبت به آن، قاچاقچیان نمونه‌ای از کوکای محلی را به پرو وارد می‌کنند که با کمک کشاورزان این ماده را به انواع موادمبیبایی ضعیف اضافه می‌کنند تا ماده مخدر قوی‌تری را تولید کنند (راتز^۲، ۱۹۹۹).

در نواحی دور افتاده جنگلی که کوکا کشت می‌شود نیروهای چریکی قدرتمند مارکسیستی از محصولات محافظت می‌کنند و از تجارت مواد مخدر مالیات دریافت می‌کنند. آنها در مساله حمل و نقل بسیار موثر نشان می‌دهند که این امر ارتش کلمبیا را که اغلب در آمریکا آموزش دیده‌اند، تحریک می‌کند تا ضمن سوء استفاده گسترده از حقوق انسانی، اغلب از شورش‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر حمایت کنند. (اسکو و گوبلن^۳، ۱۹۹۸) تلاش دولت برای ریشه‌کن کردن تولید محصولات با مقاومت‌های شدید کشاورزان مواجه می‌شود که از این طریق امرار معاش می‌کنند.

جمع‌آوری مالیات توسط نیروهای مسلح انقلابی^۴ (FARC) اجازه فعالیت در مناطق جنگلی تحت کنترلشان را فراهم می‌سازد. اگرچه این نیروها به‌عنوان یک نیروی شبه نظامی مارکسیستی بنیان شده است اما، در سال‌های اخیر FARC به تشکیلاتی شباهت دارد که در زمینه سرقت از مزارع کوکا و آزمایشگاه‌های خود در مناطق روستایی کلمبیا فعالیت می‌کند (بروک^۵، ۱۹۹۵) در سال ۱۹۹۶ که دولت در پاسخ به فشارهای آمریکا حملاتی پیاپی برای ریشه‌کن کردن کوکا و

۱- Goering

۲- Rohter

۳- Goblen

۴- The Revolutionary Armed Forces (FARC)

۵- Brooke

نیز محصولات خشخاش را انجام داد، مخالفت‌های بسیاری علیه این اقدام دولت صورت گرفت. در حالی که ماموران دولت سموم علف کش را از هوا در مناطق مختلف روستایی می‌پاشند، در حمایت از روستائیان، FARC دست به حملاتی بر علیه ارتش و پایگاه‌های پلیسی زد و دو ایستگاه پلیس را ویران کرد و دوجین از سربازان و افسران پلیس را ربود و کشت. در اواخر سال ۱۹۹۸، در تلاش برای پیشبرد مذاکرات صلح با چریک‌های FARC دولت کلمبیا نیروهای امنیتی خود را از آن محدوده که به اندازه‌ای مساحت سوئیس است، عقب برد.

تجارت کوکائین: خبرهای خوب، خبرهای بد

در اواخر سال ۱۹۹۹ چشمگیرترین تغییر، ادامه روند کاهش مداوم محصولات کوکای آند بود و بیشترین کاهش به پرو و بولیوی مربوط می شد که تولیدکننده عمده سابق کوکا در جهان بود. آنها اکنون با اندکی اختلاف، پشت سر کلمبیا در مقام‌های دوم و سوم قرار دارند. نخستین تلاش‌های مشترک برای ریشه کنی محصول کوکا، در سال ۱۹۹۵ با جدا کردن پل هوایی که کوکا را از پرو به پالایشگاه‌های کلمبیایی انتقال می‌داد، آغاز شد اما در این ماجرا تنها پرو نبود که به موفقیت‌هایی دست یافت. در طول همین دوره چهار ساله، دولت بولیوی برنامه ریشه کن کردن کشت کوکا را تا نیمه پیش برد.

البته خبرهای بد هم وجود داشت. در سال ۱۹۹۹ کشت کوکا در کلمبیا بیست درصد افزایش یافت. قاچاقچیان مواد مخدر کلمبیا برای جبران کمبود نسبت به هر تولید کننده دیگر آندی مسابقه گذاشته بودند. با درک اینکه تنها راه تضمین کشت کوکا اینست که در سرزمین‌هایی که کنترل کمتری روی آن وجود دارد کشت شود، اتحادیه‌های کلمبیایی همیشه در حال تغییر کشت به مناطق جنوبی و جنوب شرقی کشور هستند. از آنجا که فواید کوکائین تا اندازه‌ای در اختیار سرمایه‌های مدیران شورشی کلمبیایی است. همگرایی منافع، موجب افزایش کشت در محدوده تحت تسلط چریک‌ها شده است، که به این ترتیب اوضاع امنیتی را برای دولت مرکزی در ریشه‌کن کردن آن سخت کرده است.

توسعه و گسترش توزیع مؤید اینست که اتحادیه‌های کلمبیایی به بازده‌های فوق‌العاده‌ای در درآمد کوکائین از محل کشت محصولات متنوع تر و بیشتر کوکا دست یافته‌اند، عوامل آزمایشگاه‌های کلمبیا به منظور تولید کوکائین بیشتر، از برگ کوکا، کوکائین نامرغوب تولید می‌کنند که بازدهی بیشتری دارد.

اعطای نمایندگی به دومینیکن

قاچاقچیان کلمبیایی بیش از پیش به سمت استفاده از دستگاه‌های رمزنگار دولتی برای ترجمه اطلاعات خود به کدهای رمزدار کشف نشدنی روی آورده‌اند. استفاده از این تکنولوژی مانع مهمی را برای مجریان قانون در زمینه تحقیق و بررسی در مورد اعمال تبهکاران به وجود آورد. تا پیش از این، نیاز به برقراری ارتباط مکرر بین اربابان کلمبیایی مواد مخدر و همکاران آنها در ایالات متحده، سازمان‌های قاچاق مواد مخدر را به وسیله استراق سمع تلفنی در مقابل مجریان قانون آسیب‌پذیر ساخته بود. امروزه آنها با استفاده از تکنولوژی رمزنگاری، می‌توانند از ارتباطات تجاری الکترونیکی به خوبی در مقابل مجریان ردیابی قانون محافظت کنند، و اطلاعاتی را که می‌تواند علیه آنها به کار گرفته شود، پنهان می‌سازند.

بسیاری از کارتل‌های بدنام و رسوا در مدلین و کالی تمرکز یافته‌اند. اما تلاش‌های دولت علیه کارتل‌های مدلینی و کالی باعث ممانعت از حمل و نقل کوکائین در کلمبیا شده است. هر چند پس از آن، سازمان‌های کوچکتر از کارتل‌های پیشین به سبب پر کردن شکاف موجود و حفظ ظاهر قانونی در کلمبیا و ایالات متحده تکثیر یافت. البته پیروزی بر کارتل‌های عمده تأثیر زیادی بر قیمت کوکائین نداشته است به طوری که قیمت یک کیلوگرم کوکائین، در میامی در حدود ۱۲ تا ۱۸ هزار دلار باقی ماند (ناوارو^۱، ۱۹۹۸) قاچاقچیان مستقل از مدلین و کالی که در سایه کارتل‌های عمده فعالیت می‌کنند به فعالان مواد پیوسته و چرخه همچنان ادامه دارد (NNICC، ۱۹۹۸).

DEA سازمان‌های بزرگی را که در سواحل شمالی کلمبیا فعال هستند، شناسایی کرده است. این سازمان‌ها دارای ارتش نظامی بوده و کنترل واحدهای حوزه کارائیب را برای ورود سالانه هزاران کیلو کوکائین به ایالات متحده، در اختیار دارند. رهبری ارتش و کنترل مراکز بر عهده مدیران کلمبیایی است که به پورتوریکو و دومینیکن اعزام شده‌اند که در قبال نظارت بر قاچاق مواد مخدر این منطقه مسئول هستند. این گروه‌ها اغلب شبکه‌های حمل و نقل را که ناظر بر واردات، انبارداری، صادرات و توزیع عمده فروشی کوکائین ارسالی به آمریکا هستند، راهنمایی می‌کنند. آنها برای اقدامات جنایی در زمینه عمده فروشی کوکائین در سطحی متوسط و تجارت

۱- Navarro

هرویین از دومینیکن به سواحل شمالی آمریکا اعزام شده‌اند. اگرچه گروه‌های قاچاقچی دومینیکن، به عنوان بخش کوچکی از عمده فروشی کوکائین و هروئین فعالیت می‌کنند، اما همچنان منابع عرضه تحت کنترل گروه‌های کلمبیایی است و اینها، تنها کسانی هستند که نفش مهمی را در این تجارت چند میلیارد دلاری بر عهده گرفته‌اند.

فعالیت در آمریکادر اختیار قاچاقچیان دومینیکنی است نه کلمبیایی‌ها، و به همین دلیل اکنون آنها سوژه‌ای برای دستگیری هستند، در حالی که رده‌های بالای کلمبیایی این سازمان‌ها را با مخابرات راه دور پیشرفته کنترل می‌کنند هر چند این تغییر در شیوه عملیات از سودهای صاحبان سندیکاها تا اندازه‌ای می‌کاهد. اما از این جهت که آنها را از معرض خطر مجریان قانون ایالات متحده دور می‌کند عملی موفقیت آمیز است. وقتی که دومینیکنی‌ها بازداشت می‌شوند اطلاعات اندکی درباره رؤسای کلمبیایی خود دارند. این که رؤسای کلمبیایی کمتر در معرض دید هستند آنها را در رسیدن به هدف اداره سیاسی و قانونی مناطق حفاظت شده الکترونیکی یاری رسانده است. تلاش‌های قاچاقچیان مواد مخدر کلمبیایی برای کمتر در معرض دید بودن به سال ۱۹۹۷ مربوط می‌شود، که در آن سال در قانون اساسی کلمبیا تغییری ایجاد شد، که یک بار دیگر، کلمبیایی‌ها را وادار به ورود غیرقانونی به ایالات متحده برای جرایم مواد مخدر کرد.

قاچاق هروئین در کلمبیا

از سال ۱۹۸۰ کلمبیا به یک پرورش دهنده عمده خشخاش و عمده فروش اصلی هروئین تبدیل شد. در پایان سال ۱۹۹۱ حملات پلیس صدها مترمربع گیاه خشخاش را آشکار کرد. (کالینز، ۱۹۹۱) در کوه‌های پرفراز و نشیب و جنگلهای بارانی آند، در کلمبیا، چریک‌های شورشی و قاچاقچیان مواد بخش عمده‌ای از محصولات خشخاش را پرورش می‌دهند. درصد خلوص هروئین کلمبیایی – که مستقیماً از مزرعه برداشت می‌شود و نسبت به انواع آسیایی کمتر دست به دست می‌شود – آن را از قابلیت برخوردار ساخته است که به وسیله استنشاق و دود کردن بهتر جذب می‌شود، راه‌هایی مطمئن‌تر از تزریق که با مقدارهای ضعیف می‌توان به، تأثیر بیشتر دست یافت. در حدود سال ۱۹۹۹ کلمبیا بر این باور بود که هفتاد درصد از منابع فروش هروئین در سواحل شرقی بدست می‌آید. در نیویورک، کلمبیایی‌ها، به وسیله کاهش قیمت‌ها و فروش خیابانی با خلوص

۹۰ درصد باعث اشباع بازار فروش هروئین شدند. در اوایل سال ۸۰ در کلمبیا درصد خلوص به سختی به عدد پنج می‌رسید. (ورن^۱، ۱۹۹۹).

در حالی که سازمان‌های مستقل کوچک به فروش کوکائین و هروئین به عمده‌فروشان، به عنوان بخشی از یک محموله معاملاتی مشغول بودند، (ناوارا، ۱۹۹۵) چنین به نظر می‌رسید که قاچاقچیان عمده کوکائین درگیر قاچاق هروئین نبودند، (اسکمو، ۱۹۹۷) آنها از کسانی استفاده می‌کردند که مواد را قورت می‌دادند تا آن را به ایالات متحده برسانند. زنان فقیر کلمبیایی اجیر شده بودند تا هروئین بسته‌بندی شده در پاکت‌هایی به اندازه بریده انگشتان دستکش جراحی را قورت بدهند. حقوق ده هزار دلاری خطرانی را برای سلامتی آنها در پی داشت. (پاکت‌ها پاره شده و باعث مصرف بیش از حد مواد می‌شود که اگر زودتر به مقصد نرسیده و رهایی نیابند به وسیله افسران گمرک و سگ‌های آنها و یا نگاه افراد مسئول، شناسایی می‌شوند (ورن، ۱۹۹۹).

مسیر مکزیک

در طول دهه ۱۹۸۰ صاحبان کلمبیایی مواد به شدت به گروه‌های سازمان یافته مکزیکی تکیه کرده بودند تا کوکائین را از طریق مکزیک که راهی امن‌تر بود به ایالات متحده وارد کنند. اکنون، قسمت زیادی از کوکائین موجود در ایالات متحده هنوز هم از طریق مکزیک وارد آمریکای شمالی می‌شود. قاچاقچیان با استفاده از مهارتشان به عنوان عاملان سنتی طولانی در قاچاق چند منظوره فعالیت می‌کردند رؤسای مکزیکی به زودی راه‌های قاچاق مواد و ارتباطات را پایه‌گذاری کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ سازمان‌های کلمبیایی که از طرف مکزیکی پول می‌گرفتند تا خدمات ارائه دهند، به جای پول، کوکائین - در بسیاری از موارد بیشتر از نصف محموله - را به عنوان پرداخت برای خدماتشان می‌دادند. در نتیجه سازمان‌های مکزیکی از حاملان محض کوکائین تبدیل به قاچاقچیان عمده کوکائین شدند که امروزه تهدیدات خطرناکی را برای آمریکای شمالی وجود آورده است^۱. سندیکاهای سازمان یافته تبهکاری در مکزیک اکنون عمده‌فروشی و توزیع کوکائین در نیمه شرقی آمریکا و شرق میامی را در کنترل خود دارند. مکزیک کشوری است که در حدود ۹۱ میلیون نفر جمعیت دارد و ۷۵ درصد آنها در مناطق شهری زندگی می‌کنند، در سال ۱۸۲۱ از حکومت اسپانیا استقلال یافت که این امر به دنبال یک سری انقلاب و انتخابات تقلبی

۱- Wren

۱- به عنوان آزمایش عملیات سازمان‌های قاچاقچی در یک شهر مرزی مکزیک، به Venecia, O'bay نگاه کنید

و نابسامانی عمومی حادث شد. در سال ۱۸۴۸ با ایالات متحده جنگ داشتند و از سال ۱۸۶۳ تا ۱۸۶۷ این کشور از سوی فرانسوی‌ها اشغال شد. با وجود این طی یک سرنگونی دیگر حکومت پورفیرودیاز به قدرت رسید که او از سال ۱۸۷۶ و به مدت ۳۵ سال بر مکزیک حکومت کرد. در فاصله انقلابی که دیاز را از حکومت بر کنار کرد، حزب سیاسی مسلط بر مکزیک بر سر کار آمد که امروزه به PRI^۱ معروف است.

به مدت چند دهه بعد از تأسیس، PRI وسیله‌ای بود برای رئیس جمهور موفق با استفاده از روش‌های مستبدانه برای تضمین حکومت یک حزبی، (دیلون^۲، ۱۹۹۵) نیروهای پلیس - چه فدرال، چه ایالتی و چه محلی - که در این محیط شکل گرفته بود برای کنترل جمعیت آرایش یافته بودند نه برای حفاظت از آنها، به علاوه افسران پلیس حقوق کمی دریافت می‌کردند و لذا برای اضافه کردن این مقدار دستمزد، رشوه می‌گرفتند. (دیلون ۱۹۹۶) PRI بیشتر از هفتاد سال بر مکزیک حکومت کرد بدون وجود مخالفی نیرومند، اما در این مدت فساد همه‌گیر شد.

از هروئین تا کوکائین

در فرهنگ عمومی ترانه‌ها و تصنیف‌های فریبنده قاچاق مواد مخدر - narco corridos - نهادینه شده است خواندن ترانه‌های قاچاق عمده مواد مخدر به صورت آیین برگزار می‌شود و در کنار آن خرده فرهنگهای خشونت وجود دارد. بسیاری از ترانه‌ها شامل برگشت به سنت‌های غیرقانونی اخلاق می‌شود و موسیقی‌های تلویزیونی خشونت را، شامل شکنجه و آدمکشی افسران پلیس، شرح می‌دهد (Dillon ۱۹۹۵a) مکزیک مرکز و منبع هروئین قهوه‌ای و سیاه غلیظ است، به میزان کمتر مواد خالص که جای آنها در بازار مواد آمریکاست، وجود دارد، البته بعد از پایان ارتباط با فرانسوی‌ها در حالی که هروئین سفید از مثلث طلایی و هلال طلایی در جنوب غرب آسیا به مرز صد درصد خلوص نزدیک می‌شد، هروئین قهوه‌ای مکزیک معمولاً از ۶۵ تا ۸۵ درصد خلوص تغییر یافت.

گیاه خشخاش در مکزیک بومی نیست ولی با گذشت قرن‌ها این گیاه توسط کارگران چینی که در ساخت راه آهن کمک می‌کردند، به این کشور برده شد. مهاجران چینی بر خرید و فروش هروئین تسلط داشتند تا هنگامی که بر ضد چینی‌ها شورش شد و اموالشان در سال ۱۹۳۰

۱- Preparatida Revolucionario institucional

۲- Dillon

مصادره شد و مجبور شدند که این تسلط را به دست مکزیک‌ها بسپارند (لوپشا^۳، ۱۹۹۱) مزارع خشخاش اغلب کوچک هستند از این رو پی بردن به آنها مشکل است. هر چند مزارع بزرگتر که به وسیله پرورش دهندگان خبره اداره می‌شود، پنهان می‌مانند. خشخاش در بخشهای دور ایالات سیرامارد دارانگر، سیناولا و چیهاوا به خوبی سوناورا (ایالتی مکزیک‌ای در جنوب آریزونا) کشت می‌شود. آنگاه صمغ تریاک به روستاهای همجوار برده می‌شود. آکاپارادورها یا جمع کنندگان به مناطق روستایی سفر می‌کنند و مقدار زیادی صمغ تریاک می‌خرند که با هواپیما به آزمایشگاه‌های مخفی، که سازمان‌های عمده هروئین صاحب آن هستند، برده می‌شود. فرآیند تبدیل تقریباً سه روز طول می‌کشد (اگرچه به وسیله تجهیزات مخصوص و افراد آموزش دیده ممکن است فقط یک روز به طول بینجامد).

هنگامی که کار تولید مواد تمام شد، هروئین به مراکز پرجمعیت حمل می‌شود. از اینجا پیک‌های مکزیک‌ای هروئین را به اعضایشان در سازمان حمل و نقل مواد در ایالات متحده می‌رسانند. در اوایل سال ۱۹۹۰ مکزیک‌ها به معامله با کلمبیایی‌ها پرداختند که کوکائین را از طریق مکزیک به ایالات متحده حمل می‌کردند، براساس این پیمان مقاطعه‌کاری به ازای هر ۲ کیلوگرم کوکائین قاچاق، مکزیک‌ها یک کیلوگرم را برای تضمین پرداخت نگه می‌دارند. (اوبرین و گرین بورگ^۱، ۱۹۹۶) هر دو طرف سود می‌برند، کلمبیایی‌ها کوکائین فراوان دارند و مکزیک‌ها شبکه توزیع در ایالات متحده دارند که همیشه برای هروئین استفاده می‌شوند، این توافق از طرف پیمان حمل و نقل آزاد آمریکای شمالی (نفتا) بیشتر بازشدن مرزهای نفوذپذیر مکزیک را کمک می‌کرد.

ارتباط با کلمبیایی‌ها اغلب موجب تغییر ساختاری می‌شود چنانچه، بعضی از گروه‌های مواد مخدر مکزیک‌ای مانند مدل‌های کلمبیا سازماندهی شده‌اند و واحدهای اجرایی همتراز، مستقل از هم کار می‌کنند ولی به وسیله رهبران کنترل می‌شوند. آنها اغلب از کلمبیایی‌ها در حمله به روزنامه‌نگارها تقلید می‌کردند. منافع مکزیک‌های قاچاقچی از پنج تا ده برابر افزایش یافته بود. این امر اغلب موجب افزایش باورنکردنی در دستمزدهای ماموران دولتی برای حفاظت از تجارت پرمفعتشان می‌شود.

۳- Lupsha

۱- O'Brien and Greenburg

اگرچه در سال ۱۹۸۹، چهار بار ربودن محموله کوکائین پرهزینه بود ولی توافقی منطقی را در پی داشت، به طوری که در برنامه پرداخت جدید چنانچه محموله ای در انبار آمریکاتوقیف شود، زیان وارده به قاچاقچیان کلمبیایی به نصف تقلیل می یابد.

افزایش قیمت فروش مواد چنان زیاد بود که توافق پیشنهاد شده توسط قاچاقچیان مکزیکی، فرصتی به آنها داد تا پول بیشتری از کلمبیایی ها فقط به عنوان هزینه حمل بگیرند و درآمد بیشتر، یعنی سود بیشتر برای سرمایه گذاری در روش توزیع جدید. سرانجام ایالات متحده به دو بخش بازار فروش تقسیم شد: قاچاقچیان مکزیکی کنترل منطقه غرب مرکزی و غرب و قاچاقچیان کلمبیایی کنترل منطقه شرق را در اختیار گرفتند. در نتیجه، گروه سازمان یافته جنایی مکزیکی، شروع به استفاده از ارتباطات پابرجا کردند تا خود را به عنوان یک قاچاقچی عمده کوکائین، در منطقه متعلق به خودشان، مخصوصاً بعد از توقیف رهبران کارتل کالی در سال ۱۹۹۵ نشان بدهند. اکنون گروه هایی از کلمبیا و جمهوری دومینکن هنوز بر قسمت عمده ای از قاچاق کوکائین در سواحل شرقی ایالات متحده کنترل دارند. اما در بعضی از مناطق شرقی مانند ایالت نیویورک، آنها جای خود را به قاچاقچیان متجاوز مکزیکی داده اند. در سال ۱۹۹۸، جان تازه ای در قاچاق سنگین مواد مخدر از باهاما دمیده شد و یک افت متناظر با آن در مرز جنوب غربی اتفاق افتاد این امر حکایت از آن داشت که کلمبیایی ها از اینکه مکزیکی ها در تجارت کوکائین رقیب آنها شده بودند، نگران بودند. در سال ۱۹۸۰ سازمان های مکزیکی تلاش می کردند تا خمیر کوکائین پرویی را به کوکائین تبدیل کنند، البته در آزمایشگاه مکزیکی، محصول نهایی بوی نفت می داد و تلاش برای خرید محصول کلمبیایی و یا فعالیت به عنوان آژانس کشتی رانی در ازای دریافت نیمی از کالا بایستی متوقف می شد (مک ماهون^۱، ۱۹۹۵). به نظر می رسد که مکزیکی ها از نظر تجارت کوکائین به مهارت کافی رسیده باشند. در سال ۱۹۹۸ مأموران در شیکاگو ۲۸۰۰ پوند کوکائین و ۵ میلیون دلار را در منطقه غرب ضبط کردند که تولید شرکت بود و برای ذخیره مواد از مکزیکی استفاده می شد.

آزمایشگاه های متامفتامیک مکزیکی

هنگامی که این آزمایشگاه ها تازه وارد معامله شده بودند سازمان های فروش مواد مکزیکی بر تولید و توزیع متامفتامین مسلط بودند. آنها مواد خام دارویی را از آسیا و اروپا وارد کرده و در

آزمایشگاه‌های اصلی مکزیکی به سرعت تبدیل می‌کردند، سپس داروها به ایالات متحده قاچاق می‌شد. (دیلون، ۱۹۹۵) سازمان‌های تهیه متامفتامین مکزیکی فرصت خوبی برای سودی هنگفت داشتند. چون با هیچ کس دیگر در این کار سهم نبودند (آراکس و گورمن، ۱۹۹۵). سازمان‌دهی بهتر و تقسیم وسیعتر مواد، سازمان‌های مکزیکی را قادر ساخته تا به متنوع سازی بپردازند، یعنی با تقسیم کردن عملیات به بخش‌های هروئین، کوکائین، ماری جوانا و متامفتامین. گرفتاری مکزیکی‌ها زمانی شروع شد که باشگاه موتورسواری «فرشته‌های جهنمی» به آنها نزدیک شد تا از اتفاقات مخاطره‌آمیز ناشی از تولید متامفتامین جلوگیری کنند. از آنجا که این ماده منفجره بود و ماده‌ای سوزآور داشت که استنشاق آن مرگبار بود، و بوی قوی آن می‌توانست مجریان قانون را آگاه سازد، در نتیجه مکزیکی‌ها روش‌هایی را که از موتورسواران یاد گرفته بودند، بهبود بخشیده و موتورسواران اجیر شدند تا مواد را در مکزیکی توزیع کنند. (آراکس و گورمن، ۱۹۹۵).

در سال ۱۹۹۵ به نظر می‌رسید که قاچاقچیان مکزیکی به وسیله گروهی به اسم رؤسا^۱ تحت تسلط درآمده‌اند، آنها رهبران کارتل‌های مختلف بودند که گاهی هم پیمان بودند و گاهی وقت‌ها رقابت و گاهی هم به شدت مبارزه می‌کردند، اگرچه جنگ‌های مسلحانه بسیار نادر بود. آنها گاهی به موقعیت جغرافیایی خود مانند کارتل خلیج بر می‌گشتند ولی هنگامی که در محل‌های مجزایی در مکزیکی عمل می‌کردند مقام آنها در کنترل منطقه‌ای به بزرگی حوزه بین‌المللی، نبود (گلدن، ۱۹۹۵) بنابراین، رئیس کارتل بدنام جوارز در ایالات چیهواهوا، آمادو کارریلو فونتس در کوالیاکان در همسایگی ایالت سینالوا اقامت داشت که در حقیقت مرکز کارتل دیگری با همین نام بود.

اگرچه سازمان‌های قاچاق عمده بین‌المللی معمولاً در زمینه هروئین یا کوکائین، تخصص داشتند اما در بسیاری از موارد نوع کالا نامشخص بوده است: کلمبیایی‌ها، قاچاقچیان قدیمی کوکائین، درگیر در تجارت هروئین بودند و در همین حال مکزیکی‌ها به عنوان قاچاقچیان سنتی هروئین تبدیل به سرگروه‌های عمده کوکائین شده‌اند.

^۲-Arax and Gorman

^۱-Padrones

مثلث طلایی

مثلث طلایی جنوب شرقی آسیا شامل تقریباً ۱۵۰۰۰۰ مایل کامل از کوهستان‌های جنگلی است که شامل حاشیه غربی لائوس و چهار ایالت شمالی تایلند و قسمت شمالی میانمار (برمه سابق) است. میانمار مسئول ۹۰ درصد از کل هروئین تولیدی مثلث طلایی است. این کشورها در نتیجه حکومت‌های استعماری ظهور کرده‌اند که دارای دولت مرکزی نسبتاً ضعیف هستند. در مناطق روستایی گروه‌های سارق و سازمان‌های شبه نظامی مانند ارتششان^۱ اقامت دارند. مأموران استعمارگر به ویژه فرانسوی‌ها، از این سازمان‌ها و قبیله‌های بومی برای مبارزه با گروه‌های شورشی مختلف و به ویژه آنها که پیرو ایدیولوژی مارکسیستی هستند، استفاده می‌کنند. برای اینکه حمایت از مستعمرات ماورای دریایی در این کشور کاهش یابد، فرانسوی‌ها در جنوب شرقی آسیا از تجارت مواد استفاده می‌کنند تا از فعالیت‌هایشان حمایت مالی کنند. تریاک مثلث طلایی به وسیله کشتی به ماری می‌رود که در آنجا کورلیکن در زیرزمین تبدیل به هروئین می‌شود تا در ایالات متحده توزیع شود. فرانسوی‌ها در سال ۱۹۹۵ از جنوب شرق آسیا عقب‌نشینی کردند و سال‌ها بعد ایالات متحده علیه گروه‌های مارکسیستی به مبارزه برخاست. جنگ ویتنام بخشی از این میراث بود. سازمان سیا دستمزد خود را در حین جنگ به صورت پنهانی دریافت کرد. دوباره هروئین برای بسیاری از گروه‌های قبایل بومی یا سازمان یافته نقش بازی می‌کرد، آن‌هم به وسیله تریاک محصول سازمان سیا. در لائوس در جنوب ویتنام، دولت فاسد در نتیجه دسترسی آسان به مواد مخدر برای (American GLS) به سختی درگیر قاچاق هروئین بود. این معاملات پایدار استفاده از سود برای کمک مالی به تلاش‌های نظامی در این نقطه از دنیا ادامه دارد.

ارتش متحد شان / ارتش مونگ تای

ایالت شان ناحیه ایست که تا اندازه‌ای از انگلیس بزرگتر است و در طول یک فلات هموار در قسمت جنوب شرقی برمه است که در غرب مرز ایالت یوونان چین واقع است. ایالت شان دارای دسته‌های زیادی از قبایل و گروه‌های زبانی بسیار است ولی بزرگترین گروه، شان است که به زبان تامی صحبت می‌کنند و بدین ترتیب با همسایگان‌شان در تایلند بیشتر از برمه وجه اشتراک دارند. برای کشت برنج نامناسب است، به همین جهت قبایل کوهستانی، اطراف کشت تریاک

۱- shan

خود را حصار کشیده‌اند. در زمان استعمار انگلستان (۱۹۴۸-۱۸۸۶) ایالت شان به صورت مستقل از برمه اداره می‌شد و حکمرانان از خودمختاری بیشتر بهره می‌بردند. برمه در سال ۱۹۴۸ استقلال یافت، شان‌ها با پیوستن به وحدت برمه موافقت کردند و در عوض تقاضای آنها برای ایالت بودن و اشغال تعدادی از پست‌های وزارتی پذیرفته شد و به عنوان آخرین انگیزه آخر، به آنها حق داده شد که بعد از سال ۱۹۵۷ استقلال بیابند. بعد از کودتای سال ۱۹۶۲، برمه به وسیله ارتش سرکوب‌گر دیکتاتور تسخیر شد. در سال ۱۹۸۹ این کشور به میانمار تغییر نام داد و خشونت نسبت به اقلیت‌های قومی و همکاری با قاچاقچیان مواد همچنان ادامه یافت. دولت برمه به سختی به ایالت شان، که در حال انجام مراحل کودتا بود، دست یافت. کارگزاران برمه‌ای، پلیس‌هایی که تعداد زیادی از کشاورزان کوهستانی - که خشخاش زیادی تولید می‌کردند تا خارج از کنترل دولت مرکزی به پول تبدیل کنند - را دستگیر می‌کردند، حمایت مالی می‌کرد (دلانی^۱، ۱۹۹۷). شاهان شان (که به عنوان سوبواس^۲ شناخته می‌شوند (به وسیله انگلیسی‌ها) تشویق شده بودند تا خشخاش تریاک را به مناطق تحت تسلط خود (fiefdoms) وارد کنند. بعد از سال ۱۸۶۶ تریاک فروشی‌ها در برلر باز بودند تا مواد مخدر را به معتادان دارای مجوز بفروشند (برسلر^۳، ۱۹۸۰). در سال‌های بعد، انگلستان بسیار تلاش کرد تا کشت تریاک را در شان متوقف کند، اگرچه هرگز کاملاً موفق نبود (مکوی^۴، ۱۹۷۲). در هر صورت، بسیاری از شانی‌ها حکمرانان خود را مقصر می‌دانستند که به دولت مرکزی کمک می‌کنند. آنها همچنین نظام سنتی عاملان خرابکار را شریک جرم می‌دانستند.

ارتش مانگ تای که در ابتدا با نام ارتش متحد شان شناخته می‌شد (SUA)، ارتش (MTA)، تحت فرماندهی چانگ چیفو، که نیمه چینی و نیمه شانی بود و بیشتر به عنوان کیون سا^۵ شناخته می‌شد، به منظور خرید سلاح و حمایت از نهضت مستقلش به قاچاق تریاک متوسل شده بود. SUA یا MTA کم‌کم بر حمل و نقل تریاک در طول مرز برمه - تایلند مسلط شد. در حالی که در اینجا حدود ۴۰۰/۰۰۰ نفر بومی کوهستان هیچ منبع درآمد دیگری جز هروئین نداشتند،

۱- Delaney

۲- Sabulowas

۳- Bresler

۴- Mccoy

۵- Kibun sa

SUA یا MTA قادر بود تا هم حمل و نقل تریاک را کنترل کند و هم هروئین را در آزمایشگاه‌هایش تولید کند.

در سال ۱۹۸۰ دولت تایلند موفق شد که ارتش MTA را از تایلند بیرون کند و تا برمه عقب براند، اما این گروه همچنان به تسلط بر قاچاق تریاک و گرفتن مالیات مواد مخدر از کاروان‌هایی که از محدوده آنها عبور می‌کردند ادامه می‌داد. در سال ۱۹۹۰ شانی‌ها عقب‌نشینی مهمی را متحمل شدند. خون‌سا به قاچاق مواد از طرف هیأت منصفه دادگاه کل فدرال، متهم شده بود و ایالات متحده برای دستگیری او ۳ میلیون دلار جایزه گذاشت و او در دادگاهی آمریکایی محکوم و ارتش هانگ‌تای متحمل شکست‌های اساسی شد (اسکیمتزر^۱، ۱۹۹۰).

در سال ۱۹۹۴ یک پیوند بین ایالات متحده و عاملان تایلندی (تله‌بیر)، مرز بین تایلند و میانمار را در نقاطی که MTA فعالیت می‌کرد، مسدود ساخت، که این امر موجب کاهش قدرت خون‌سا برای حمل و نقل هروئین به تایلند و همچنین کاهش خرید تجهیزات برای نیروهایش شد. بعد از آن سال پلیس سیزده نفر از کارگزاران اصلی MTA را دستگیر کرد که آنها هم به وسیله دادگاه کل فدرال در نیویورک محکوم شدند. این فشار در سال ۱۹۹۵، هنگامی که ارتش میانمار بر ضد خون‌سا به حرکت درآمد که نیروهایش غذای کم و مهمات و تجهیزات معالجه برای زخمی‌هایشان ناچیز بود، کامل شد. چندی بعد مقاومت قومی شکسته شد و اقلیت‌های قومی بر ضد MTA شورش کردند که اکثر رؤسای آن بومی چین بودند (ژنو^۲، ۱۹۹۶). خون‌سا به مذاکرات پنهانی با میانمار پرداخت و در سال ۱۹۹۶ یک معامله صورت گرفت. در صدر خبرها از تایلند آمده بود که - خون‌سا ۶۱ ساله استعفایش را تسلیم کرد، او بازنشسته شد تا مرغ پرورش بدهد - و تشکیلات MTA منحل شد. دولت میانمار از تسلیم خون‌سا خودداری می‌کرد، و تا زمانی که وضعیت سلامتی او وخیم‌تر شد، به طور منظم با رؤسایی که با آنها با جنگ چریکی مبارزه کرده بود، بازی گلف می‌کرد. ورن، ۱۹۹۸ در نتیجه مقدار هروئین جنوب شرقی آسیا که وارد ایالت متحده می‌شد به شکل چشمگیری کاهش یافت.

۱- Schmetzer

۲- Dhenoth

ارتش متحد ایالت وا

تا سال ۱۹۸۹ ارتش سری خطرناک دیگری در مثلث طلایی به گروه کمونیست برمه BCP خدمت می‌کرد. نیروی BCP در گذشته به وسیله جمهوری خلق چین حمایت می‌شد. بعد از اینکه پکن کمک‌هایش را به منظور بهبود روابط با برمه قطع کرد، BCP از یک رابطه قبلی طولانی در این منطقه پیروی کرد که به تجارت تریاک می‌پرداخت. BCP بخش‌های زیادی از تولید خشخاش را کنترل می‌کرد و به عنوان مالیات از آنها تریاک می‌گرفت و از کشاورزان محلی باج می‌گرفت و آن را در آزمایشگاه‌هایش به هروئین تبدیل می‌کرد.

در سال ۱۹۸۹ مردان بومی - سربازان تندخویی که اجداد آنها سر دسته شکارچی‌ها بودند - شورش کردند و BCP را، به عنوان یک نیروی مسلح رها کردند. (هالی^۱، ۱۹۹۰) بسیاری از گروه‌های سیاسی وا به سازش با سیاستمداران دولتی میانمار دست زدند، تا هنگامی که جناحی از سازمان وا به عنوان ارتش متحد ایالت وا سازمان یافت (USWA) که مرکز فرماندهی آن در مرز ایالت یوونان چین واقع بود. USWA از هروئین استفاده می‌کرد - در این اواخر بیشتر متامفتامین - تا با قاچاق آن، بودجه لازم را برای تلاش جهت مبارزه با کنترل برمه تهیه کند (ویتکین و گریفین^۲، ۱۹۹۴). در این جا یک میلیون، وا وجود دارد که مرز بین چین و میانمار را بازنگه می‌دارند و USWA تقریباً پانزده تا بیست هزار نفر، نیرو دارد که به وسیله موشک‌های زمین به هوا و تجهیزات مدرن ارتباطی مسلح شده است. در سال ۱۹۷۷، حدود ۳۰ نفر از پاسداران ارتش میانمار به یک کاروان قاچاق مواد مخدر وا برخوردند که متامفتامین را به تایلند حمل می‌کردند و به وسیله آنها کشته شدند. برای وا، سود حاصل از تولید متامفتامین و قاچاق آن تجارت هروئین را توسعه داده است، هر چند وا، ادعا می‌کرد معمولاً هر کس که هروئین را در این محل خرید و فروش کند، دستگیر و اعدام می‌کند (ورن، ۱۹۹۸) ولی زمانی که تسلیم شد، USWA بر بزرگترین عرصه تولید مواد مخدر در برمه یعنی بزرگترین تولید کننده هروئین حکومت می‌کرد (گزارش NNICC ۱۹۹۸).

۱- Haley

۲- Witkin and Griffin

تایلند

اگر چه منبع تریاک جنوب شرقی آسیا، تولید مرفین و یا تقریباً هروئین خالص از تایلند، جدا شده است، اما تایلند دارای سیستم ترابری و ارتباطی مدرنی است. ملتی با پنجاه میلیون نفر جمعیت، تایلند تقریباً به اندازه فرانسه بزرگ است. به عنوان یک هم پیمان ضد کمونیستی وفادار به آمریکا، سربازانش را برای جنگ در کنار سربازان آمریکایی به کره و ویتنام اعزام کرد. علاوه بر این نقش در قاچاق مواد مخدر، با داشتن تقریباً ۵۰ هزار فاحشه خانه دارای اعتبار بزرگترین فاحشه خانه دنیا است (اسکیمتر، ۱۹۹۰).

در سال ۱۹۹۱ کودتای نظامی - یکی از هفده کودتا از سال ۱۹۳۲- دولت تایلند را که به شیوه دموکراتیک انتخاب شده بود، برانداخت. در جنوب شرقی آسیا، انگلیس و فرانسه نه تنها تجارت تریاک را انحصاری کرده، بلکه عده‌ای زیاد از مردم را معتاد کرده بودند، حتی ناخواسته یک شبکه قاچاق را شکل داده بودند که برای تجارت هروئین بعد از جنگ جهانی دوم بسیار حیاتی بود. اگر چه حاکمان استعمارگر سودهای کلانی به جیب می‌زدند، اما هیچ وقت در توزیع و فروش مواد درگیر نشدند و این کار را به عهده بازرگانان دارای مجوز مستعمرات گذاشته بودند، که معمولاً چینی بودند (پوسنر^۱، ۱۹۹۸). بانکوک دارای جمعیت زیادی از چینی‌هاست که در تایلند به دنیا آمده‌اند که "هاو" نامیده شده و به نام تایلندی شناخته می‌شوند اما رابطه ای نزدیک با هموطنان خود در هنگ کنگ و همچنین ایالت یوونان، آمستروام، انگلیس و کلمبیا داشتند. سازمان‌های جنایتکار چینی از بانکوک، چین سفید خود را برای مردم به شهرهای بزرگ اروپا و کانادا و ایالات متحده ترک کرده‌اند. در مرکز بسیاری از این قاچاقچیان مواد، سه گانه‌ای وجود دارد.

سه گانه‌های چینی^۲

انجمن‌های مخفی در چین دارای سابقه‌ای طولانی هستند، که بعضی از آنها در یک دوره زمانی مشترک به وجود آمده‌اند. (چین، ۱۹۹۰؛ فانگ، ۱۹۸۱). بخش مهم این انجمن‌های سه گانه و شعبه‌های آمریکایی آن، گانگسترهای شهرهای چین هستند. آنها نیروی خود را از فرهنگ پویای

۱- Posner

۲- Chinese Triads

منحصر به فرد جامعه چینی جمع می‌کنند که بین آنها وفاداری نسبت به خانواده و دوستان یک ضرورت اخلاقی است. (جی، لیو^۳ و همکاران)

چینی‌ها در یک جامعه سلسله مراتبی سازمان یافته به دنیا آمده‌اند که هرگز خود و دیگران را افراد آزادی نمی‌بینند ولی به عنوان عضوی در برابر دیگران در روابط اجتماعی گسترده تعهدات مشترکی را می‌پذیرند. (دبلیو، مایرز^۴، ۱۹۹۵)

در این زمینه فرهنگی، ویلیارد ماریس (۱۹۹۵) می‌نویسد قانون در حاشیه است که به یک وضعیت خوب در ماشینیسم منجر شده است، یعنی در داخل یک نظم خاص اجتماعی ارتباطات انسانی (guanxi) این بیانیه فرهنگی اگر چه غیرقانونی است اما گره‌گشای سازمان تبهکاری است. و به نیازهای خاص کسانی که بازمانده کانتونزها و فیکیترها هستند که به سرتاسر جهان مهاجرت کرده و متحمل تبعیض‌های زبانبار شده‌اند که بر خصوصیت‌های فرهنگی آن تکیه دارند خصوصیتی که در این شغل - چه قانونی و چه غیرقانونی - برتری‌های زیادی را به بار می‌آورد. پدیده سه گانه توسعه طبیعی این خصوصیت‌های فرهنگی است.

واژه سه گانه به نهضت‌های چینی برمی‌گردد. سمبل مشترک، یک مثلث متساوی‌الاضلاع است که نماد سه، مفهومی چینی درباره آسمان، زمین و آدم است. این گروه‌ها در تابوان و هنگ کنگ پایه‌گذاری شده است که متعهد به لباس پوشیدن سنتی، آداب پرستی و رسوم اخلاقی هستند. دست‌های پنهان نماد رمز عبور است و قسم‌های خونی در آئین‌های پیچیده مراسم عضویت مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کارتز^۱، ۱۹۹۱)

پدیده سه گانه معتقد است در مخالفت حکومت مانچوها، در سال ۱۶۴۴، (سلسله فرمانروایی که چینگ^۲ بر سر کار آورد) ریشه دارد. (فانگ^۳، ۱۹۸۱) سلسله چینگ در سال ۱۹۱۱ به وسیله موفقیت‌های دکتر سون یات سن خاتمه یافت (۱۹۲۵-۱۸۶۶) که یک عضو سه گانه بود. بسیاری از اعضای سه گانه به اعمال جنایتکارانه قمار، شرط کوسه ماهی، گران فروشی و قاچاق تریاک از مثلث طلایی در آسیای جنوب شرقی روی آوردند. این حمل و نقل بوسیله اعمال نیروهای چینی ناسیونالیست در مثلث طلایی به صورت قابل توجهی تقویت شده بود. چیانگ لای شک که

۳- J. liu etal. ۱۹۹۸

۴- W.myers

۱- Carter

۲-Ching

۳-Chiang lai shek

خودش یکی از اعضای سه گانه بود، مشهور است که از سه گانه‌ها در جنگش علیه کمونیست‌ها و اتحاد کارگران استفاده کرده است. سه گانه‌ها به وسیله مائو تسه تانگ با خشم و خشونت فراوان در سرزمین‌های اصلی - وقتی که نیروهای کمونیست مائو تسه تانگ ارتش ناسیونالیست چینگ را در سال ۱۹۴۷ شکست داد- سرکوب شدند. اعضای سه گانه که با چینگ کاستیک به تایوان فرار کرده بودند به سختی از سوی کومینتیگ، حزب ناسیونالیست- کنترل شدند و قادر نبودند تا اعمال تبهکاری خود را در جزیره گسترش دهند. (چاین، ۱۹۹۰)

هزاران نفر دیگر از سه گانه‌ها به هنگ کنگ، مستعمره انگلستان فرار کردند و به زودی سه گانه‌ای را در آنجا سازماندهی کردند که تاریخ آن به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. سه گانه‌های بومی هنگ کنگ خیلی زود فعالیت خود را به عنوان انجمن‌ها و نهضت‌های خیرخواهانه شروع کردند. آنها اعمال تبهکاری را افزایش دادند و با ژاپنی‌ها، در طول جنگ جهانی دوم در مستعمرات همکاری فعالانه داشتند. در زمان جنگ جهانی گذشته آنها به عنوان یک اجتماع نیرومند تبهکاری شناخته شدند.

قاچاق مواد مخدر سه گانه‌ها اعمال آنها را در زمان جنگ ویتنام افزایش دادند و این زمانی بود که هزاران نفر از GIS ها جذب هروئین مؤثر آسیای جنوب شرق شدند. هنگامی که آمریکایی‌ها از ویتنام عقب رانده شدند سه گانه‌ها بازار خود را ادامه دادند و عملیات مواد مخدر خود را بین‌المللی کردند. از آنجا که بسیاری از سربازان در اروپا ساکن بودند یک محل بازار بزرگ سه گانه‌ها در این قاره توسعه یافت که مرکز فرماندهی عملیات آن در آمستردام بود.

هلال طلایی

هلال طلایی آسیای جنوب غربی شامل قسمت‌هایی از ایران، افغانستان و پاکستان می‌شود. این منطقه دارای سنگ آهک و خاک غنی و آب و هوا و ارتفاع مناسب برای کشت خشخاش، همانند مثلث طلایی است و یک کار آماده و فراوان برای کارگران ارزان قیمت که تریاک را به مقدار زیاد کشت می‌کنند. در پاکستان کشاورزان خشخاش در بخش‌های قبیله‌ای شمالی و نیمه خود مختار زندگی می‌کنند که خارج از کنترل مستقیم دولت مرکزی واقع در اسلام‌آباد است. حاکمان پاکستانی بر روی این ناحیه کنترل کمی دارند و باید به رئیس قبیله‌ها متوسل شوند تا بتوانند علیه گروه‌های دارای آزمایشگاه‌های تولید غیرقانونی حرکتی کنند. در شمال غربی کوه‌های تاراکورام پاکستان، هرآکر (۴/۰۴۷ مترمربع) خشخاش حدود دوازده کیلو صمغ تریاک می‌دهد. ده

کلیو از صمغ تریاک می‌تواند به یک کیلو مرفین اصلی تبدیل شود. عمده فروشی در شهرهای مرزی غیرقانونی مانند لندی کوتال انجام می‌شود که حدوداً سه مایل از مرز افغان دور است. بسیاری از هروئین تجارت شده در پاکستان بوسیله اشتراک سه گروه اصلی کوتتا^۱ کنترل می‌شود که یک گروه متعهد را شکل داده‌اند. اگر چه به نظر می‌رسد که این گروه‌ها مستقل باشند اما آنها با همدیگر همکاری می‌کنند مانند زمانی که برای منافع مشترک همکاری می‌کنند. رواج رشوه‌خواری، از آنها در مقابل نیروی قانون محافظت می‌کند بسیاری از اعضای گروه وظیفه سیاسی را در حد استانی نگه داشته‌اند (گزارش NNICC، ۱۹۹۸)

برخلاف آسیای جنوب شرقی، زمین ناهموار افغانستان و رسومات جنگجویان قبیله‌ها آنها را از استعمار آزاد می‌گرداند. تمایل به غرب در این کشور بسیار محدود بود، تا زمانی که شوروی‌ها در سال ۱۹۷۹ هجوم آوردند. پاتان‌ها^۲ یا پشتون^۳ قبیله‌ای هستند که در ایالت مرزی جنوب غربی در پاکستان مسکن دارند که بیشتر از نصف سکنه آن افغانی هستند و به عنوان سربازان و جنگجویان استثنایی جنگی چریکی علیه شوروی به راه انداختند و این رژیم را از کابل عقب راندند. بعد از ۱۹۷۹ که شوروی‌ها تانک‌های خود را علیه ایالت‌های تریاک یعنی پشتون و بلوچ گسیل داشت، ناگهان قبایلی که در سده گذشته قاچاقچیان مسلح مواد بودند، خودشان را در این موقعیت به عنوان مبارزان جدید ضد کمونیستی قلمداد کردند.

فعالیت‌های ضد روسی آمریکا در افغانستان به وسیله سازمان سیا (CIA) طراحی شده بود که نگرشهای مساعد به قاچاق مواد را اتخاذ می‌کرد. وقتی که اختلاف پایان گرفت، ایالات متحده به شدت علاقمند به فعالیت‌های قاچاق مواد مخدر شورشی شد. تریاک محصول نقدی است، که به طور عرفی قبایل متخاصم افغانستان و نیز استانهای مرزی شمال غربی افغانستان، از آن برای خرید مهمات و اسلحه بهره می‌گیرند. در سال ۱۹۹۱ مأموران ایالات متحده اعلام کردند که آنها دیگر بیش از این به شورشیان افغان کمک نظامی نخواهد کرد. در ۲۵ آوریل ۱۹۹۲، نیروهای مجاهدین بدون مقاومت هیچ نیروی مخالفی وارد افغانستان شدند و جنگ رسماً پایان گرفت اما نزاع بین گروه‌های شورشی ادامه یافت، جنگی که هروئین بهانه و حامی آن بود. در سال ۱۹۹۸ جنبش بنیادگرای اسلامی طالبان بیشتر نقاط کشور را در تسلط داشت و افغانستان بزرگترین

۱- (Q uetta)

۱- Pathan

۲- Pushtun

تولید کننده هروئین شد (ورن، ۱۹۹۸؛ کروسست^۳، ۲۰۰۰). در حدود یک سوم هروئین وارده به ایالات متحده و حدود ۸۰ درصد هروئین مصرفی اروپا از افغانستان می‌آید. پول این مواد صرف حمایت از جنبش‌های اسلامی در سرتاسر جهان می‌شود (دپارتمان ایالات متحده، ۱۹۹۸). این قضیه، همچنین به کشاورزان فقیر مناطق جنگ زده برای تأمین معیشت خود کمک می‌کند. این در حالی است که مواد مخدر برای مبلغین اسلام تکفیر شده است. (بیراک^۴، ۲۰۰۰).

برای مدت زمانی حملات شوروی مسیرهای عادی تجارت مواد به طرف ایران و ترکیه را منحرف ساخت. در نتیجه پایگاه‌های **مورفین** به خارج از افغانستان، یعنی پاکستان انتقال داده شده بود که از طریق گذرگاه خیبر به شهر بندری کراچی یا دهلی یا بمبئی در هند می‌رسید. هند با مرزهای مشترک هم با مثلث طلایی و هم هلال طلایی، از مهمترین مراکز حمل و نقل هروئین وارده به اروپا و ایالات متحده شده است. گذشته از این برای دریافت هروئین، گروه‌های تبهکار هندی مواد خام شیمیایی «انیدرید استیک» را جهت تبدیل به مواد مخدر به کارتل‌های مواد در افغانستان، پاکستان، برمه / میانمار، انتقال می‌دهند (هازایرکا^۱، ۱۹۹۳).

شرایط ترکیه همچون پلی میان بازارهای موجود در غرب و هروئین وارده از هلال طلایی عمل می‌کند. گروه‌های تبهکار ترک باباس^۲ روابط مهمی در بازارهای غربی دارند: آنها هروئین را از بزرگراه‌های ترکیه به اروپا انتقال می‌دهد و از آنجا، دیگر سازمان‌های تبهکاری، به ویژه گروه‌های مافیا و کامورا^۳، این مواد را در تمام بازارهای اروپایی، کانادا و ایالات متحده توزیع می‌کنند. رشد ناگهانی هروئین وارده به اروپا، از هلال طلایی، بعضاً به جدایی طلبان کرد در شرق ترکیه مربوط است، کسانی که از تجارت مواد به مثابه‌ی منبعی برای سرمایه‌گذاری جهت فعالیت‌های نظامی علیه حکومت ترکیه استفاده می‌کنند. مورفین به وفور به وسیله کشتی از طریق کانال سوئز به ترکیه منتقل می‌شود. مسیرهای زمینی بالکان که به وسیله جنگ در یوگسلاوی سابق بسته شده بود، اینک به بلغارستان، رومانی و چکسلواکی تغییر یافته است (کاول^۴، ۱۹۹۳). کشورهای شرقی اروپا، به ویژه لهستان، که نیروی پلیس آن با فقدان بودجه

۳- Wren ۱۹۹۸b; Crosstt ۲۰۰۰

۴- Bearak

۱- Hazairka

۲- babas

۳- Camorra

۴- Cowell

کافی رو به روست، از نقاط مهم حمل و نقل مواد شده است (بونر^۵، ۱۹۹۵). ایران که در حدود ۱۲۰۰ مایل مرز شرقی مشترک با افغانستان و پاکستان دارد، به مهمترین کشور در حمل و نقل مواد تبدیل شده است - هزاران مأمور قانون در نبردهای مسلحانه با قاچاقچیان دارای سلاح‌های سنگین و کاملاً مسلح جان خود را از دست داده‌اند. و ورود هروئین به کشور (ایران) باعث مسأله جدی مصرف مواد مخدر در داخل این کشور شده است (باراکلوگ^۶، ۱۹۹۹).

نیجریه

درگیری نیجریه در قاچاق بین‌المللی مواد مخدر قابل توجه است. این کشور نه مواد خام شیمیایی و مخدر تولید را داراست، نه با تولیدکنندگان بزرگ مواد و نه با دولتهای مصرف‌کننده عمده همجواری دارد (پی. ویلیامز^۷، ۱۹۹۵). اما نیجریه یک مرکز عمده قاچاق مواد و پایگاهی برای سازمان‌های فعالیت‌های تبهکاری جهت پاسخگویی به مقادیر قابل توجه هروئین مصرفی ایالات متحده است. علاوه بر قاچاق مواد، این سازمان‌ها در فعالیتهای اضافی دیگری همچون: پول شویی، جعل سند، مهاجرت و تقلب‌های مالی درگیرند (دپارتمان ایالات متحده، ۱۹۹۹). نیجریه مرکز بزرگ عمده حمل و نقل هروئین و کوکائین هلال طلایی شده است، به ویژه از طریق برزیل. این کار از طریق شبکه‌های قبیله‌ای و خانوادگی انجام می‌گیرد، قاچاقچیان رده بالا به ندرت با خارجی‌ها رابطه دارند (NNICC، ۱۹۹۸). قاصدان نیجریه‌ای براساس مسافرت‌هایی از لاگوس به پاکستان برای به دست آوردن هروئین و انتقال به برزیل برای تبدیل به کوکائین عمل می‌کنند و پس از پروازهای تجاری خود به مقصد نهایی شان ادامه می‌دهند و یا به نیجریه برگشته و مواد را در بسته‌های کوچکتری مجدداً بسته‌بندی کرده و در تمام دنیا قاچاق می‌کنند. دانش آموزان و ساکنان تهیدست نیجریه‌ای لاگوس، به صورت سرپایی استفاده می‌کنند، آنها در مقابل هر مسافرت هوایی فقط چند هزار دلار برای صدها گرم مواد دریافت می‌کنند، موادی که معمولاً در بسته‌های خیلی کوچک بسته‌بندی شده و این افراد با بلعیدن آنها، آن را به مقصد می‌رسانند.

در داخل کشور، اغلب مردم نیجریه حدود ۳۰۰ دلار در سال درآمد دارند، و این کشور به خاطر سطح بالای رشوه خواری اداری بدنام است. مدارک شناسایی و گذرنامه بسیار راحت به دست

۵- Bonner ۱۹۹۵

۶- Barraclough

۷- P. Williams

می‌آید (Jones ۱۹۹۳). در پایتخت لاگوس، ارباب‌های میلیونر مواد سازمان‌های وسیع و بزرگ را اداره می‌کنند، در قله‌ی این گروه قاچاقچیان مواد هستند، که خطرهای واقعی را به جان می‌خرند (تریست^۲، ۱۹۹۲). در سال ۱۹۹۱ رابطه نیجریه - شیکاگو، یعنی استفاده از فیلیپینی‌ها به عنوان نقطه حمل و نقل کاملاً مشخص بود. زنان آسیایی هروئین را از بانکوک به مانیل انتقال می‌دادند، جایی که زنان آمریکایی سفیدپوست (قفقازی) مواد را جهت انتقال به ایالات متحده دریافت می‌کردند. این مجموعه پیچیده جهت کاهش سوء ظن‌هایی بود که پرواز زنان آسیایی از تایلند به آمریکا به همراه داشت. این قاصدان (بیک‌ها) بین ۴/۵ تا ۶/۵ پوند هروئین را در ازای ۲۰ هزار دلار به اضافه‌ی مخارج سفر حمل می‌کردند (اسکمیتزر، ۱۹۹۱).

در سال ۱۹۹۶، سی و چهار نفر در سه کشور به دلیل شرکت در قاچاق مواد در نیجریه دستگیر شده بودند که به مدت ۱۵ سال در یک کار فعالیت می‌کردند. رهبر گروه، یک پلیس بود که جهت حفظ نظم و تحمیل آن در بانکوک زندگی می‌کرد. در حالی که اعضای گروه خارج از لندن، آمستردام، پاکستان، نیویورک و دیترویت فعالیت می‌کردند، بیشتر آنها که دستگیر شده بودند، در شیکاگو بودند، جایی که مرکز فرماندهی گروه در بوتیکی زنانه در کنار ساحل قسمت شمالی شهر قرار داشت. سفارشات تلفنی هروئین توسط قاچاقچیان زن به شیکاگو فرستاده می‌شد که معمولاً با بچه‌های خود از بانکوک مسافرت می‌کردند و تمام مسیرها را در اروپا، گواتمالا و نهایتاً مکزیکو، قبل از رسیدن به آمریکا، طی می‌کردند (جی. او، برین، ۱۹۹۶؛ مارتین و برین، ۱۹۹۶).

در سال ۱۹۹۷، سازمان‌های نیجریه‌ای به استفاده از خدمات پیش‌تاز پستی با مسیرهای کشتی‌رو از طریق کشورهای اروپایی اقدام کردند. مواد را می‌شد بدون اسم یا به نام اشخاص ساختگی حواله می‌کرد، که خطر و هزینه‌های موجود در شیوه‌های استفاده از بیک‌ها را کاهش می‌داد. طبق گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر، نیجریه‌ایها حمل و نقل دریایی هروئین از آسیای جنوب شرقی به ایالات متحده و امریکای لاتین و کوکائین به اروپا را در اختیار دارند (دلیوس، ۱۹۹۸). عمده فروشان نیجریه‌ای با باندهای خیابانی در برخی از نواحی شهری، روابطی به هم زده‌اند. به ویژه با آن گروه‌هایی که در اجتماعات نیجریه‌ای مستقر، و خصوصاً در شیکاگو که آنها روابط نزدیکی با گروه‌های کنگستری مشهور دارند (NNICC, ۱۹۹۸).

قاچاق داخلی مواد مخدر

منافع متعددی که در تجارت مواد حاصل می‌شود بخشی از تبهکاری‌های مجرمانه است که خشونت نیز معمولاً همراه و ملازم آن است. لازم است معاملات مواد بدون توسل به مکانیسم‌های رسمی انجام شود، اگرچه راه‌حل آنها معمولاً در جهان تجارت قانونی نیز موجود باشد. این واقعیت منجر به خلق سازوکارهای اجرایی ویژه‌ای می‌شود. دنیای مواد مخدر مملو از اشخاص کاملاً مسلح و خشن شاغل در کارت‌های بزرگتر است، اگرچه حتی عاملان خیابانی سطح پائین نیز اغلب مسلح هستند. این منابع خصوصی خشونت در خدمت محدود کردن ورودیهای بازار، برای اجتناب از جرایم رقبا و غارتگران، و برای حفظ نظم و امنیت داخلی سازمان هستند.

در چندین منطقه از کشور، به ویژه در شهر نیویورک و لوس آنجلس، سازمان‌های جنایی محلی که تجارت هروئین و کوکائین را در اختیار دارند، رقبای جدیدی پیدا کرده‌اند: مثل فروشندگان جوان کراک^۱. نقطه ورود به تجارت کراک فقط به سرمایه اندکی نیاز دارد: یک اونس^۲ کوکائین قابل تبدیل به ۲۵۰۰ میلی‌گرم کراک است. دسته‌های خیابانی با گروه‌های دوستی و خویشاوندان وارد بازار شده‌اند اغلب منجر به رقابتی می‌شود که در آن خشونت‌های شدید شامل استفاده از سلاح‌های سبک بسیار قوی و مهمات خودکار دیده می‌شود.

جفری فاگان و کولین چین (۲۵: ۱۹۹۱) بیان می‌کنند این خشونت دو دلیل داشته است: اول: فروش کراک در بین همسایه‌ها متمرکز شده بود جایی که کنترل اجتماعی به واسطه اختلالات شدید اقتصادی و اجتماعی در دهه قبل از ظهور کراک ضعیف گشته بود. دوم، رشد سریع گروه‌های جدید فروش مواد. بنابراین، خشونت در میان گروه‌های جدید فروشنده، در درون خود گروه برای حفظ کنترل و در خارج از گروه برای حفظ قلمرو (کیفیت تولید) احتمالاً بیشتر برای مشخص ساختن بازارهای غیرساکن کراک بود تا بازارهای ساکن مواد و نظام توزیع.

خشونت وحشیانه، خشونت معقول

نمایش‌های منظم خشونت برای جلوگیری از تیغ زدن توسط همکاران، مشتری‌ها و سارقین ماهر و متخصص اساسی است. به علاوه تحرک سعودی در زمینه‌ی اقتصادی جهان فروشندگان

۱- Crack

۲- Ounce

خیابانی نیازمند استفاده موثر و نظام‌مند در خشونت علیه همکاران و همسایه‌های یک گروه است. رفتاری که خشونت غیرمعقول، وحشیانه، و نهایتاً خود - تخریبی را بروز می‌دهد می‌تواند براساس منطق اقتصاد زیرزمینی، مانند آنچه که یهودیان در امور سرمایه‌گذاری بلندمدت توسعه انسانی انجام می‌دهند مورد تفسیر مجدد قرار گیرد.

کاهش باورنکردنی قتل‌ها در دهه ۱۹۹۰، در ارتباط با کاهش کراک بوده است (باتر فیلد^۳، ۱۹۹۷). در شهر نیویورک، «اجتماعی که اجباراً بازارهای باز کراک بیشتر از بازارهای خواربار است با شیشه‌های کراک و آتش بازی رو به رو هستند و در آن محیط رشد می‌یابند، نسبت به یک دهه پیش به طور تکان دهنده تغییر یافته است. در ظاهر کراک از بیشتر خیابان‌های نیویورک ناپدید شده است و همراه با آن تصاویر ژنده‌پوشی، نامرتب و خشونت نیز که بخشی از حیات خیابان بوده محو شده است» (اگان^۱، ۱۹۹۹). و تجربه نیویورک توسط شهرهای بزرگی که دچار اپیدمی کراک شده‌اند تکرار گشته است. تغییر جالبی در نگرش به کراک و دارندگان آن پیدا شده است، اینکه این افراد از جامعه طرد شده‌اند. مابقی بازار کراک به داخل آپارتمان‌ها منتقل شده و یا به وسیله تلفن به خریداران خاص فروخته می‌شود که نوعاً استفاده کننده‌ها، افراد مسن‌تر از بزرگسالانی هستند که زمانی کانون این گونه فعالیت‌ها بودند.

دومینیک‌ها

جمهوری دومینیک، با جمعیت هشت میلیون نفری، حدود دو سوم جزیره کارائیب را اشغال کرده است که با هائیتی مشترک است. با این که جمهوری دومینیک به اندازه هائیتی مشکل ندارد. اما در اواسط دهه ۱۹۶۰ ناآرامی‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی باعث مهاجرت عده‌ای از ساکنان آنجا برای آینده‌ای بهتر به شمال شد. در شهر نیویورک، دومینیک‌هایی که به طور قانونی وارد ایالات متحده شده‌اند تعدادشان حدود ۳۵۰/۰۰۰ نفر است، بیش از هزاران نفر از آنها خارجی‌های غیرقانونی هستند. بعضی از این مهاجران، قانونی و غیرقانونی، وارد تجارت مواد شده‌اند. فروشندگان مواد مقادیر اندکی از درآمد و سود خود را در ایالات متحده نگه می‌دارند و بقیه را وارد شهرهای جمهوری دومینیک می‌کنند از قبیل سانفرانسیسکو دی ماکوری - شهری

۳- Butter Field

۱- Egan

که به خاطر سالم بودنش شهره است در کشوری که درآمد سرانه آن کمتر از ۹۰۰ دلار در سال می‌باشد (اچ. دبلیو. فرنچ^۲، ۱۹۹۱).

مرکز تجارت عمده کراک توسط دومینیک‌ها در حومه مانهاتان در همسایگی ارتفاعات واشنگتن است. در سال‌های اخیر تعدادی از رهبران خود را مخفی کرده و عمال خود را از محل زندگی خویش (نیویورک) دور کرده‌اند. تا سال ۱۹۹۸ جمهوری دومینیکن از استرداد شهروندان خود به خاطر جرایمی که در ایالات متحده مرتکب می‌شدند، خودداری می‌کرد. در این سال دو قاچاقچی مواد به خاطر قاچاق مواد و قتل به آمریکا بازگردانده شدند.

دومینیک‌ها استعداد زیادی در حمل مقادیر زیاد هروئین و کوکائین کراک در سطح خیابانی از خود نشان داده‌اند. آنها مستقیماً از واردکنندگان آسیایی و کلمبیایی خرید می‌کنند، و با گروه دوم دارای مشترکات زبانی و ارزشی نیز هستند. آنها عملاً مهارت‌های شناخته شده خود را به عنوان فروشنده و تاجر به خوبی نشان داده و جزء بالاترین رده‌های قاچاقچیان نیویورک شده و بازار پنسیلوانیا را در اختیار گرفته‌اند. آنها همچنین بخش عمده‌ای از قاچاق کوکائین نیوانگلند را در کنترل خود دارند. دومینیک‌ها کیفیت بالای مواد خالص را بدون رقیب کردن آن فراهم کرده‌اند. اغلب خارج از سوپرمارکت‌ها، بارها و رستوران‌ها در میان همسایگان امریکای لاتین خود فعالیت می‌کنند و از ترفندهای مختلف بازاریابی استفاده می‌کنند تا بتوانند تولیدات خود را بفروشند. آنها در فیلادلفیا بسته‌های هروئین را با بلیط‌های بخت‌آزمایی می‌فروشند که برنده آن می‌تواند از دوازده پاکت اضافی بهره‌مند شود. ساختار سازمان قاچاق مواد مخدر دومینیک‌ها براساس وفاداری و پیوندهای خانوادگی و محلی است.

دومینیک‌ها بنام فروشندگان معتبر که به سرعت مطالبات دیگران را می‌پردازند و از خشونت، خود را بر دیگران تحمیل کردن و کنترل کامل بر بازار ویژه اجتناب می‌کنند، شهرت و اعتبار پیدا کرده‌اند. در عوض آنها در کارایی و قیمت‌گذاری مواد رقابت می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد از خشونت پرسروصدا پرهیز کنند. هرچند گروه‌های اولیه دومینیک‌ها به خاطر فنون ظریف بازاریابی مشهور بودند... موفقیت‌های آنها در دهه ۹۰ قلمرو آنها را متمایز ساخت و از خشونت برای حفظ این برتری استفاده کردند. گروه‌های چندی از دومینیک‌ها به دلیل خشونت افراطی، حفظ نظم و رفتار با رقبا مشهور هستند.

دومینک‌ها رتبه میانی بین کلمبیایی‌ها و فروشندگان خیابانی کوکائین و هروئین در منطقه‌ی شهری نیویورک و نیوانگلند را در اختیار گرفته بودند. (ورن، ۱۹۹۸؛ راتر و کروس^۱، ۱۹۹۸) این امر، یکی از نتایج نارضایتی کلمبیاییها با همتهای مکزیکی‌شان بود. در سال ۱۹۹۵ سازمان‌های بزرگ کلمبیایی در جمهوری دومینکن مستقر شدند تا فعالیت‌های خود را با شرکای دومینک خود هماهنگ سازند. در حالی که بخش عمده هروئین و کوکائین کلمبیایی به حرکت خود از طریق مکزیک ادامه داد، قاچاقچیان کلمبیایی در چند سال اخیر در یک دایره کامل افتاده‌اند، یعنی بازگشت به کارائیب به عنوان حوزه اصلی فعالیت‌ها. و تاثیر پول مواد در جزیره کاملاً فراگیر شده است، ساختمانهای اداری، هتلها و مراکز خرید در سانتودومینگو، سانتیاگو و سان فرانسیسکو، ارتقا جهشی یافته‌اند. رشوه خواری پلیس گسترده شده و اغلب با نیروهای قانونی کلمبیا هماهنگ شده است.

دومینک‌ها و شرکای کلمبیایی‌شان روابط گسترده‌ای بین کلمبیا و فلوریدا برقرار کرده‌اند، سریع‌ترین نقطه انتقال کوکائین به امریکا- هائیتی- ثابت کرده است که جذابیت خاصی برای قاچاقچیان دارد زیرا هائیتی فقیرترین کشور منطقه است و نیروی کار ارزان برای جرایم و نیروی اداری رشوه گیر بسیار دارد. پلیس مجبور به اقدامات تازه‌ای در این زمینه شده بود به ویژه وقتی نیروی قدیمی ضعیف امریکایی ملغی شده بود، آنها جهت آموزش و منابع در تنگنا قرار داشتند. گارد ساحلی هائیتی شامل ده قایق بود، که تنها نیمی از آنها وارد عمل می‌شدند (راتر و کروس، ۱۹۹۸).

سازمان‌های مواد سیاهان

گروه‌های بزهکار سیاهپوست بسیار زیادی در سرتاسر ایالات متحده وجود دارند، بعضی در خود آمریکا رشد کرده و برخی نیز از مهاجران هستند مانند جامائیکایی‌ها. سازمان‌های غیرقانونی مهمی از سیاهان در تجارت هروئین به ویژه در نیویورک، دیترویت، شیکاگو، فیلادلفیا و واشنگتن وجود دارند. اگرچه سیاهان به طور سنتی خارج از برخی فعالیت‌های مرتبط با جرائم سازمان یافته هستند اما مواد مخدر فرصت‌های برابری را فراهم آورده است. گروه‌های غیرقانونی آمریکایی‌های آفریقایی تبار پس از آنکه جنگ ویتنام بسیاری از سربازان را مجبور به استفاده از

۱- Rohter and Krauss

مواد مخدر و ورود به بازار مثلث طلایی^۱ کرد گام‌های مهمی برداشتند- قبل از آن، گروه‌های سیاهان وابسته به گروه‌های خانوادگی جنایی سازمان یافته بودند. بر مبنای تجربیات دیگران، سازمان‌های سیاه دریافتند جرایم سازمان یافته سنتی را کنار گذاشته و مستقیماً مواد را از تولیدکنندگان و فروشندگان در تایلند بخرند. اکنون به یکی از مهمترین این سازمان‌ها خواهیم پرداخت.

شاگردان تبهکار

شاگردان تبهکار (GD) در نتیجه تلفیق دو گروه گانگستری جنوب در سال ۱۹۶۹ پدید آمد. در ۱۹۷۴ لاری هور، متولد ۱۹۵۱ در جاکسون می‌سی‌سی‌پی رهبر این گروه بود. به‌رغم محکومیت او به خاطر طرح و برنامه‌ریزی قتل مرد سارق مواد (عضو گروه GD) بود. با این حال GD در فروش کوکائین و هروئین در سرتاسر شیکاگو، برخی از نواحی حومه و چندین ایالت شامل ویسکانسین، ایندیانا، میسوری، اوکلاهما و جورجیا فعال است. آنها، همچنین از سایر فروشندگان مواد برای حق فروش در نواحی که تحت کنترل GD بود اخاذی می‌کردند. گروه‌های مستقل که موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند نوعاً با نمایندگان GD کنار آمده و به سه گزینه جایگزین تن داده‌اند: (۱) پیوستن به شاگردان تبهکار، (۲) دست کشیدن از فروش مواد و (۳) مرگ. اعضای رده پائین که عملاً مشغول فروش مواد در سطوح خرده فروشی هستند از مزایایی که سطوح بالاتر فراهم می‌کنند سود می‌برند، آنها لازم نیست با اعضای رده بالاتر یا سازمان بالاتر به مثابه یک کل، مشارکت داشته باشند. در عوض اینها (رده‌های بالاتر) از فروشهای عمده، درآمدهای کلان کسب می‌کنند. یک سازمان غیرقانونی می‌تواند ساختاری رسمی را به نمایش بگذارد اما فعالیت‌های اقتصادی آن ممکن است عملاً در برگیرنده شرکت‌ها یا شرکای کوچکی بین اعضا و یا موسسه‌های غیرعضو باشد - ساختار رسمی لزوماً شبیه ساختار اقتصادی است. به علاوه، اندازه گروه شاگردان تبهکار - در حدود ۶ هزار عضو - نیازمند ساختار مشارکتی - است. فعالیت‌های تجاری - علاوه بر قاچاق مواد - به شدت وابسته به ساختارش است. بنابراین GDها قادر بوده‌اند سود مواد، مالیات‌های خیابانی و حق عضویت اعضا را روی هم گذاشته و با آنها به اداره و اجرای فعالیت‌ها و تجارت قانونی شامل ساختمان‌سازی و گاهی نیز به منظور پول شویی و نیز مرکزی برای فعالیت‌های غیرقانونی بپردازند.

۱- Golden Triangle

درگیری سیاسی شاگردان تبهکار، حداقل در بخش‌هایی که به هدف آزادی مشروط رهبران در بند آنها صورت می‌گیرد، شدیدتر شده است. تحت نام رأی قرن بیستم، آنها درگیر ثبت نام رای دهندگان شدند و از نامزدهای ناموفق برای شورای شهر حمایت کردند. در هر حال هوور و ۳۸ عضو GD ها طی دادخواستی شامل ۱۴۹ فقره اتهام از رفتار مجرمانه شامل قاچاق مواد متهم شدند. یکی از محکومین پلیسی اهل شیکاگو بود که به سردهسته‌گی یک واحد تبهکار متهم شده بود. در اثنای محاکمات GD معلوم شده بود که دفاتر رای گیری قرن بیستم همچون عاملان جمع‌آوری مالیات‌های خیابانی جمع‌آوری شده توسط اعضای دسته‌ها عمل کرده بودند. در سال ۱۹۹۷، هوور به ۴۰ فقره قاچاق مواد و ۶ بار اعدام محکوم شد (او. کونور^۱، ۱۹۹۷). در ۱۹۹۹ سه افسر GD که به خاطر رسیدن به ریاست دسته رقابت کرده بودند، به دلایل نظارت بر عملیات چند میلیون دلاری قاچاق کوکائین محکوم به زندان ابد شدند (O'Connor ۱۹۹۹).

در نتیجه زندانی و محکوم شدن سران اصلی، گروه با مشکلات عدیده‌ای در برقراری نظم و مانع تراشی گروه‌های رقیب مواجه شد. مالیات‌های خیابانی اغلب یا پرداخت نشدو یا جمع نمی‌شد و از کيفرخواست ۱۹۹۵، چند عضو بوسيله ديگر اعضای GD و یا فروشندگان گروه‌های رقیب که GD ادعای برتری بر آنها را داشت، کشته شده‌اند.

تجارت خیابانی مواد

غیر از معاملات کلان، تجارت کوکائین و هروئین تجارت سودآور آسانی است، تنها به یک منبع و سرمایه نیاز دارد. گروه‌های مختلف برای فروش هروئین قادرند با هم کنار بیایند، همان‌طور که دسته‌های خیابانی در بیشتر نواحی شهری گرد هم می‌آیند. ژروم سکولنیک و همکارانش (۱۹۹۰) بین دو نوع از گروه‌های خیابانی تمایز قائل شده‌اند. دسته‌های فرهنگی که قویاً ریشه در هویت همجواری دارند، و اعضای آن ممکن است دچار خلاف و جرم شوند. دوم دسته‌های کارفرمایی که برای اهداف خارجی توزیع مواد سازمان دهی شده‌اند. بقای گروه اول در گرو وفاداری مبتنی بر همسایگی و بقای دومی مبتنی بر ادامه فرصت‌های اقتصادی است. در دسته‌های فرهنگی اشتغال به مصرف مواد و فروش می‌تواند در خدمت نیازهای عضویت باشد و اعتبار گروه ممکن است در گرو موفقیت در معامله مواد باشد. برعکس دسته‌های کارفرمایی، این گروه‌ها براساس روابط برادرانه تعریف می‌شوند و از قلمرو خود به شدت حمایت می‌کنند و درگیر خشونت

۱- O'Connor

غیرمنفعت طلبانه با دیگر دسته‌ها نمی‌شوند. در حالی که دسته فرهنگی دقیقاً برای فروش مواد سازمان نیافته است، با وجود این دسته‌های فرهنگی تازه تامین شده و جوان عموماً درگیر و مشغول توزیع مواد در سطوح خیابانی هستند، عواید آن نوعاً برای مصارف شخصی به کار می‌رفت، تهیه و تدارک راه‌های شروع کسب پول ممکن است استراتژی دخالتی موثری به نظر برسد. رهیافت‌های سرکوبی و جلوگیری (کنترل اجتماعی رسمی یا غیررسمی تولیدکنندگان) ممکن است بر کنترل دسته‌های کارفرمایی که در کار توزیع فعالیت دارند، موثرتر باشد. (هاول و گلیسون^۱، ۱۹۹۹).

برخی از دسته‌های خیابانی، سازمان و بازار مواد مخدر را به دیگر ایالت‌ها گسترش داده‌اند. دسته‌های لس آنجلس، به ویژه دسته گریپ‌ها^۲ به سیاتل، دنور، میناپولیس او کلاهاما، سنت لویس، و شهر کانزاس و نیز شهرهای کوچکتری در سرتاسر کالیفرنیا راه یافته‌اند. آنها در کنار سایر رقبا با سرعت فوق‌العاده‌ای به طرف شرق حرکت کرده‌اند. هیچ گروهی شدیداً سلسله مراتبی نیست. هر دوی این گروه‌ها به دسته‌های کم قید و بند مبتنی بر گروه‌های همسایگی بنام دسته^۱ شکسته می‌شوند که هر کدام ۳۰ تا ۱۰۰ عضو دارد. بسیاری از اعضای باند به طور کلی کالیفرنیا جنوبی را برای اجتناب از برخورد با پلیس ترک کردند. دیگران برای دسترسی آسان به کراک شعب عملیاتی خود را در جاهائی که مصرف کنندگان با دوستان و اعضای خانواده خود ملاقات می‌کردند برای کشف بازارهای مستعد گسترش دادند. (ویتکین^۲، ۱۹۹۹) در سال ۱۹۹۲ گزارش شده است که گریپ‌ها، یا شاید اعضای قبلی قدیمی‌تر باند، روابط مستقیمی را با کارتل مدلین^۳ توسعه داده‌اند.

میکزکوفسکی^۴ فعالیت‌های یک گروه کم سازمان‌نیافته خرده‌فروشی هروئین در دیترویت به نام «پسران جوان» را مورد مطالعه قرار داد. در مرکز فعالیت‌های آنها یک سردسته قرار دارد، او مواد مورد نیاز را از جانشین رئیس سندیکای مواد دریافت می‌کرد. رئیس دسته یک محموله‌ی هروئین را به هفت تا بیست نفر از قاچاقچیان که مردان جوان آمریکایی آفریقایی تبار (۱۶ تا ۲۳ ساله) بودند، می‌سپرد. سپس هر قاچاقچی موقعیت خود را به گونه‌ای خاص تنظیم می‌کرد که

۱- Howell and Gleason

۲- Grips

۱- Set

۲- Witkin

۳- Medellin

۴- Mieczkowski

در محاصره قرار نگیرد. برای جلوگیری از هجوم سارقین هر دسته توسط افراد مسلحی محافظت می‌شد. قاچاقچیان درآمدی در حدود ۱۶۰ دلار برای هر ده ساعت و نیم کار می‌دهند. مشارکت در این شبکه های مواد مخدر منجر به جدی‌ترین نوع انحراف می‌شود این افراد غالباً توسط بزرگسالان و یا فروشندگان مسن‌تر خیابانی اجیر می‌شوند. اینها تقریباً در دسته‌های ۳ تا ۱۲ نفر سازمان می‌یافتند، هر پسری عموماً مقدار کمی از مواد را در اختیار داشت، مثلاً دو یا سه پاکت هروئین.

این افراد مواد را براساس اعتبار یا قرض از تهیه‌کنندگان مواد می‌گرفتند و حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد ارزش خیابانی آن را به آنها بر می‌گرداندند.

علاوه بر توزیع مواد، این جوانان ممکن بود به عنوان مراقب و دیده بان مشتری‌های عضو و یا محافظ فروشندگان خیابانی فعالیت کنند. آنها اغلب مصرف‌کنندگان ماری جوانا و کوکائین بودند نه هروئین، به علاوه در برخی شهرها، فروشندگان و تهیه‌کنندگان ترجیح می‌دادند توزیع کنندگانی را اجیر کنند که در عملیات دخالت زیادی نداشته باشند و قراردادهای آنها مانند قاچاقچیان عموماً دائمی نباشد.

تعداد نسبتاً کمی از جوانان فروشنده مواد مهارتهای کارفرمایانه جالبی را گسترش می‌دهند. آنها از برخوردها و تماس‌های خود با بزرگترها در جهت پیشرفت تجارت مواد استفاده می‌کنند. گاهی وقتها آنها که ۱۸ یا ۱۹ سال دارند چندین سال تجربه در فروش مواد دارند، رئیس دسته خود شده و بیشتر از ۵۰۰ هزار دلار در سال درآمد دارند. (چیاکن و جانسون^۱، ۱۹۸۸).

سود نهایی فروش هروئین برای اغلب فعالان در سطح خیابانی، بیشتر از حد متوسط است. در حالی که توزیع‌کنندگان ساعت‌های زیاد کار می‌کنند و خود را در معرض خطرهای اساسی خشونت و زندانی شدن قرار می‌دهند، اما درآمدشان عموماً بین ۱۰۰۰ تا ۲ هزار دلار در ماه است. عاملانی که موفقیت‌های کمتری دارند زندگی را به سختی سر می‌کنند. فروش کوکائین و کراک توسط هزاران عامل به صورت پاره وقت انجام می‌گیرد و هر کدام بازارهای محلی خاصی را در تصرف دارند که شامل بازارهای محلی، بلوک‌های شهری، گوشه خیابان‌ها می‌شود. درآمد با توجه به خطر مرگ و حبس متغیر است و فروشندگان برای کمتر از حداقل حقوق کار می‌کنند؛ مثلاً ۳۰ دلار روزانه برای فعالیت به عنوان دیده‌بان، یا ۵۰ سنت برای فروش هر شیشه کراک،

۱- Chaiken and Johnson

صد تا ۲۰۰ دلار در هفته برای ساعت‌های طولانی در شرایط نامطلوب بدون مزایای بیکاری، بیمه درمانی یا هر نوع مزایای شغل‌های قانونی.

مطالعه در واشنگتن، نشان می‌دهد که اکثریت فروشندگان مواد که هر روز نمی‌توانند مواد خود را بفروشند. درآمد متوسطی در حدود ۱۰ هزار دلار سالانه دارند و آنها که به صورت روزانه موفق به فروش مواد می‌شوند درآمد ماهانه‌ای در حدود ۳۶۰۰ دلار داشتند. (رولتر، مک کون و مورفی، ۱۹۹۰).

تجارت بومی کوکائین صرفاً نیازمند رابطه با منابع کلمبیایی و سرمایه کافی برای شروع اولین خرید است. پس از چندی هر شخص می‌تواند از منابع کلمبیایی گسسته و درگیر در تجارت مواد در شکل بومی استفاده کند. زیرا به طور سنتی مشتریان کوکائین در حد درآمدی متوسط هستند و به همین ترتیب توزیع کنندگان تمایل دارند تا وارد طبقه متوسط دارای احترام و پرستیژ شوند. با وجود این محبوبیت کراک، به شکل جالب توجهی جایگزین بازار مواد در سطح مشتریان به ویژه در سنین مختلف خرده فروشی شده است.

جیمز اینکیاردی و ان پوتیگر، محققین تجربی در زمینه مواد، از جوانی فروشندگان کراک در مقایسه با فروشندگان هروئین، بسیار تعجب کرده بودند. در حالی که هر دو الگو جوانان را در سال‌های اولیه جوانی اغفال می‌کنند، فروشندگان کراک به طور حیرت‌انگیزی درگیر شیوه زندگی مجرمانه همراه با مواد شده‌اند و به شکل خطرناکی در سنین جوانی قرار دارند. (۲۶۹: ۱۹۹۱)

در سطح خرده فروشان، فروشندگان به شکل گسترده‌ای چندین نوع مواد مختلف را توزیع می‌کنند. توزیع کنندگان هروئین، توزیع کوکائین را نیز وقتی که کوکائین در پایان دهه ۷۰ به طور اساسی محبوبیت یافت در فایل خود وارد کردند و بسیاری از توزیع کنندگان اخیر کراک با فروش هروئین تغییراتی در بازار ایجاد کرده‌اند. برای مصرف کنندگان دائمی کوکائین، این امری طبیعی است که از مسکن‌ها برای سرحال و شنگول شدن استفاده کنند، الکل به وفور به این منظور مصرف می‌شود، اما مصرف کنندگان کوکائین، با رسیدن به آن، هروئین را ترجیح می‌دهند.

چایکن و جانسون (۱۹۸۸) می‌گویند که فروش اندک مواد در میان مصرف کنندگان امری همگانی است، و برخی از جوانان مواد را بدون درگیری جدی در فعالیت‌های مجرمانه توزیع می‌کنند. آنها مواد را به دوستان و خویشاوندان جوان خود می‌فروشند آن هم کمتر از یک بار در

ماه جهت تقویت مصرف مواد نزدیکانشان و بیشتر جوانان این فعالیت‌ها را به عنوان فعالیت‌های مجرمانه قلمداد نمی‌کنند. (۱۰: ۱۹۸۸)

آنها به ندرت با سازمان‌های قضایی جرائم رو به رو می‌شوند. از آنجا که این جوانان رفتارهای مجرمانه خود را از بزرگترها پنهان می‌کنند و همانند بیشتر فعالیت‌های عرفی و قانونی که دیگر بچه‌ها در سنین آنها انجام می‌دهند، رفتار می‌کنند. مشاوران قضایی جرائم با فعالیت‌های خیلی کمی می‌توانند مانع توزیع و جذب مصرف کنندگان جدید مواد مخدر توسط جوانان فروشنده شوند.

بازار خیابانی مواد

فروش مواد در خیابان‌ها، همچون سایر فعالیت‌های قانونی دیگر، اغلب دارای یک اسم یا علامت است تا بدین وسیله وفاداری به آن پایدار باشد. در بین مهمترین فنون بازاریابی دسته‌بندی‌های جالب وجود دارد، اسامی شناسایی (علامت تجاری) که مصرف کنندگان را در یک فعالیت دوستانه درباره خرید مواد درگیر می‌کند، هم‌چنین علامت‌های تولیدی که مفهوم و جذبه مثبتی از موفقیت قدرت و حضور را منعکس می‌کنند. و مشتریان را برای ارتباط نهادین با این تولیدات تشویق می‌کنند. (واترستون^۱، ۱۹۹۳).

تجارت خیابانی مواد، همانند سایر مراحل توزیع مواد، انباشته و آکنده از خشونت بود. پاول گلدستون (۱۹۸۵:۴۹۷) گزارش می‌دهد که خشونت در تجارت موادگاهی‌وقت‌ها نتیجه‌فریبکاری‌ها در باره علامت‌های تجاری است.

توزیع کنندگان کیفیت بالای هروئین را با علامت‌های تجاری محبوب موجود مشخص می‌کردند. مصرف کنندگان هروئین خوب را می‌خریدند، از آنها استفاده می‌کردند و سپس آن‌را همراه با شکر دوباره برای فروش بسته‌بندی می‌کردند. مارک‌های رایج خرید شده بر روی جعبه‌ها به آرامی و ظرافت باز شده و مواد رقیق‌تر شده و دوباره به فروش گذاشته می‌شود.

این اعمال توزیع کنندگان واقعی علامت‌های تجاری موفق و محبوب را نگران ساخته است. هروئین آنها شروع به بدنامی در سطوح خیابانی کرده و فروششان کم می‌شود. فروش بسته‌های تقلبی هزینه‌هایی را برای توزیع کنندگان واقعی می‌آفریند، درباره کیفیت پائین مواد شکایت شده

۱- Waterston

و خواستار بازگشت پولشان می‌شوند. فروشندگان واقعی، در جستجوی توزیع کنندگان بسته‌های قلابی برمی‌آیند و حمله، درگیری و زد و خورد پیش می‌آید. گولدستین (۱۹۸۵) گزارش می‌دهد که در تجارت مواد تخطی عادی - مثلاً ضعف یک توزیع کننده خیابانی برای بازگرداندن پول کافی به حامی خودش در شبکه مواد - اغلب به خشونت منجر می‌شود.

خشونت اغلب به صورت منظم نتیجه سرقت توسط توزیع کننده مواد است. هر توزیع کننده‌ای که دوست دارد در این تجارت ماندگار باشد به خود اجازه نمی‌دهد که مورد سرقت واقع شود بدون آن که انتقام مشابهی از طرف بگیرد. مرگ هم مجازاتی برای خطاهای عادی است، البته خطاهای جدی، که بهر حال در تجارت مواد گسترش یافته است: آدم فروشی؛ آدم فروش ممکن است با هدف حذف رقیب یا انتقام برای فروش مواد با کیفیت پایین باشد، اما اغلب آدم فروشی‌ها نتیجه تلاش و پی گیری از سوی سیستم‌های قضایی جرایم بود.

گاهگاهی باید بین الگوهای آسیب تمایزاتی قائل شد. مثلاً فروشندگان مواد - نوجوانانی که مواد و پول را بین فروشندگان و خریداران حمل می‌کنند - در شرایط اضطراری معمولاً به پاهای و زانو شلیک می‌کردند. آسیب‌های شدید در ارتباط با مواد در قسمت غربی ایالات متحده رخ داده است. در این آسیب، مشهور به مغزی^۱، رشته نخاعی قربانی قطع می‌شود و او زندگی را با فلج پائین تنه ادامه می‌دهد. (دلاروسا لامبرت^۲ و گورپر^۳، ۱۹۹۰).

تولید داخلی ماری جوانا، ال اس دی^۴ و متامفتامین

تجارت مواد شامل مواد دیگری غیر از کوکائین و هروئین نیز می‌شود. اغلب این مواد مانند LSD، فن سیلکیدین (PCP)، متامفتامین و باربیتورات (دارویی خواب‌آور) در آزمایشگاه‌های داخلی تولید می‌شوند، ماری جوانا نیز در ایالات متحده پرورش داده می‌شود.

اشخاص و گروه‌هایی که این مواد را تولید و قاچاق می‌کنند آدم‌های کاملاً متنوعی هستند. آنها از هیچ گروه و قوم خاصی نیستند - سفید پوست، روستایی، طبقه کارگر و متوسط همگی ممکن است درگیر شوند. فی‌المثل، الگوهای اندک در قاچاق ماری جوانا در ایالات متحده وجود دارد و

۱- Pithing

۲- De la Rosa Lambert

۳- Gorpper

۴- LSD

یا اصلاً چنین الگوهایی یافت نمی‌شود. این شغل ورود آسان و سهل الوصولی دارد و تعدادی از بستگان، گروه‌های دوستی و کهنه سربازان با هم وارد تجارت ماری‌جوانا شده‌اند. چندین شیمیدان معتقدند که تقریباً تمام موجودی LSD در دسترس، در آمریکا تولید می‌شود. برخی از دهه ۱۹۶۰، احتمالاً شروع به کار کرده‌اند. تولیدکنندگان و قاچاقچیان LSD را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. اول، گروهی است که در کالیفرنیا شمالی، شامل شیمیدان‌ها و قاچاقچیان که با همدیگر روابط نزدیکی دارند: نوعاً، آنها تولیدگران بزرگ قادر به توزیع LSD در سطح ملی هستند. گروه دوم ترکیبی از تولیدکنندگان مستقل هستند که در سطح کاملاً محدود کار می‌کنند و در سرتاسر کشور وجود دارند و تولیداتشان معطوف به اهداف محلی است. شیمیدان‌های LSD و رده‌های بالای قاچاقچیان یک صنف درونی از این نوع گروه می‌باشند. آنها آزاد و گسترده باقی می‌مانند زیرا تعدادشان چندان زیاد نیست. انحصاری بودن آنها باعث تعجب نیست چون تولید LSD برای کارفرمایان فرایندی مشکل است.

تولید تمام‌مقامین در قسمت‌های روستایی آمریکا شکوفا شده است. در تگزاس، عمده آزمایشگاه‌ها در مناطق روستایی متمرکز شده و معمولاً توسط ساکنان محلی تولید و فروخته می‌شود. الگوهای غالب کار آزمایشگاه‌های تمام‌مقامین موجود در انتهای تگزاس غربی و تگزاس شرقی پوشیده از درخت، شبیه عملیات سطوح خرد تولید و توزیع مشروبات غیرمجاز ویسکی در دوره‌های ممنوعه نظیر، مالکیت و عملیات مردمی، با شبکه‌هایی از مصرف‌کنندگان محلی، اما در رابطه با سایرین جهت صادر کردن به مراکز پرجمعیت شهری، عمل می‌کند (اسپنس^۱، ۱۹۸۹). در آرکانزاس، شیمیدانان مطرود، آمونیاک مورد استفاده برای کود شیمیایی را برای تبدیل به تمام‌مقامین به روش "نازی"^۲ به سرقت می‌برده‌اند، این رسم بدین خاطر است که سربازان آلمانی از آمونیاک در جنگ جهانی دوم استفاده کردند. (پارکر^۳، ۱۹۹۹).

چنانچه قبلاً گفته شد، در سال‌های اخیر تعداد مکزیکی‌هایی که در کالیفرنیا جنوبی فعالیت می‌کردند افزایش یافته است، آنجا که آنها تمام‌مقامین تولید می‌کردند، در مناطق بیابانی خالی از سکنه بود. زمانی که موتورسواران مطرود حاکم بودند، تجارت عمده ملی توسط خانواده‌های مکزیکی فروشنده مواد در مناطق روستایی از سانتیاگو گرفته تا ردینک انجام می‌گرفت. عملیات

۱- Spence

۲- Nazi

۳- Parker

آنها از سینالوا و سایر ایالت‌ها و در درون خود مکزیکو انجام می‌گرفت، این خانواده‌ها بر قیمت سایر اجناس هم نظارت می‌کردند. (آراکس و گورمن^۴، ۱۹۹۵).

بخش عمده متفامفتامین (MDMA) در داخل اروپا تولید می‌شود - خصوصاً در هلند و بلژیک - و تعداد محدودی از آزمایشگاه‌های MDMA در ایالات متحده فعالیت می‌کنند. در سال‌های اخیر سندیکای‌های غیرقانونی اسرائیلی و برخی از مهاجران روسی با سندیکاهای غیرقانونی سازمان یافته ترکیب شده‌اند، روابطی با قاچاقچیان اروپای شرقی به هم زده‌اند و بر بازارهای اروپای شرقی کنترل قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند سندیکاهای اسرائیلی در حال حاضر اصلی‌ترین منبع گروه‌های توزیع ایالات متحده هستند.

سازمان‌های نظارت بر قاچاق داروهای مخدر از طریق کشتی تعداد ۱۰ هزار یا بیشتر قرص وارد می‌کنند. این کار ممکن است از طریق خدمات پستی پیش‌تاز، پیک‌های تجاری پروازهای هوایی یا طرق دیگر از چندین شهر عمده اروپا به ایالات متحده انجام شود. این مواد به مقادیر عمده در سطوح مختلف در ایالات متحده فروخته می‌شود. قیمت خرده فروشی MDMA، مورد فروش در باشگاه‌های ایالات متحده، ۲۰ تا ۳۰ دلار برای هر واحد است. قاچاقچیان داروی مخدر از اسامی آدمهای تجاری به عنوان ابزار بازاریابی و وسیله برای تشخیص و تمایز تولیدات خود از سایر رقبا استفاده می‌کنند. آرم‌ها به تناسب روزهای مقدس یا حوادث خاص تولید می‌شود. از جمله محبوب‌ترین آنها می‌توان عناوین زیر را نام برد: پروانه‌ها، صاعقه‌های روشنی‌بخش و شبدرهای چهاربرگ.

پول شویی^۱

قاچاقچیان مواد بزرگترین مشکلات را در سطوح بالای تجاری بوجود می‌آورند: مبالغ کلانی که از فروش نقدی مداوم تولیدات آنها حاصل می‌شود، کجا می‌رود؟ از وقتی که «آل کاپن» به خاطر ندادن مالیات زندانی شد، تبهکاران موفق در جستجوی تطهیر کننده ای برای تامین پول‌های غیرقانونی‌اشان برآمدند. پیچیدگی بیشتر مسأله در این است که این پول‌های نقد کمتر در معرض اثبات هستند. در برخی موارد، پول شویی به راحتی تلاش برای حفظ اسکناس‌های یکصددلاری باشد.

۴- Arax & Gorman
۱- Money Laundering

برای جلوگیری و اجتناب از برخورد با گزارش‌های IRS لازم است زیر نظر عملیات امنیت بانکی، انتقال چک‌ها به نقدکنندگان چک صورت گیرد یا اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری باید مبالغ زیر ۱۰ هزار دلار قرار گیرند با متصدیان بانک هماهنگ شود، متصدیانی که عموماً در مقابل درصدی از پول (عموماً ۵ درصد) حاضرند از ارائه گزارش درست خودداری کنند (گزارشی به نام CTR). یک CTR برای هر سپرده‌گذاری، دریافت وجه یا معاوضه پول رایج و یا اسناد اعتباری پولی بالای ۱۰ هزار دلار لازم است. این گزارش بایستی برای ارائه به IRS در مدت ۱۵ روز بعد از عملیات، امضا شود.

در سال ۱۹۸۴ اصلاحیه مالیاتی گزارش مورد نیاز برای هر کس که دریافت‌هایش بیش از ۱۰ هزار دلار باشد چه در بازرگانی و چه تجارت توسعه یافت. یک گزارش اسناد پولی و اعتباری (CMIR) باید برای اسناد پولی و پول‌های نقد بالای ۱۰ هزار دلار پر می‌شد، چه وارد ایالات متحده بشود و چه از آن خارج شود.

خدمات فدرال وقتی جریان خلاف‌های سهل و ساده را در انتقال‌ها مشاهده کردند، اقدامات جدیدی اندیشیدند. تلاش‌هایی برای سخت و محکم‌تر کردن قواعد، اما از طرف صنعت بانکداری با مخالفت‌های جدی رو به رو شده است (وهل^۲، ۱۹۹۹).

پولشویی^۱ مدرن

سیستم سرمایه‌ای جدید به تبهکاران اجازه می‌دهد که میلیون‌ها دلار را از طریق کامپیوترهای شخصی و بشقاب‌های ماهواره جابجا کنند. پول توسط مراکز اسناد رایج، دلان اصلی، طلافروشان، قمارخانه‌ها، فروشندگان اتومبیل، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های تجاری شسته می‌شود. استفاده از خدمات راحت بانک‌های خصوصی، بانکداری ساحلی، مناطق آزاد تجاری، سیستم‌های مخابراتی، شرکت‌های پوست و سرمایه‌گذاری تجاری همگی قادر به پنهان کردن فعالیت‌های غیرقانونی خود هستند. انتخاب ابزار پول شویی فقط به واسطه خلاقیت‌های خود آنها محدود می‌شود. تجارت بین‌المللی طلا امکانات زیادی برای از بین بردن منابع سرمایه فراهم می‌کند. منافع مواد جهت خرید طلا به کار گرفته می‌شود که به طریق قانونی بنام تجارت

۲- Wahl

۱- منظور از این نوع پولشویی، از بین بردن رفت و برگشت پولهای غیرقانونی است.

جواهرات صادر و فروخته می‌شود، پول برگشتی به منبع اصلی، شسته شده است.(دی. کاپلان^۲، ۱۹۹۹)

مبادلات پولی رایج و سمورفها

مبادلات پولی در طول مرز تگزاس - مکزیک رشد یافته است. چنین کارهایی کمتر قاعده‌مند، جسورانه، پذیرای مقادیر هنگفتی پول نقد، آن هم به صورت غیرقانونی می‌باشد. آنها سرمایه چندین مشتری را روی هم گذاشته و کل پول را در یک بانک داخلی یا خارجی سپرده‌گذاری می‌کنند و حساب سرمایه هر کدام از مشتریان را نگاه می‌دارند. وقتی قاچاقچیان خارجی بخواهند پول خود را به کشورشان بفرستند، نماینده یا عامل کاسا^۳ (در مبادلات پولی فعالیت می‌کند) سرمایه را از بانک به حساب قاچاقچی خارجی مخابره می‌کند. حتی هنگامی که بانک امریکایی CTR را کامل می‌کند، کاسا را بنام مالک سرمایه می‌شناسد، نه مالک واقعی را، در منطقه‌ی هرستون، علاوه بر کاساها، خانه‌های تلگرافی گیرو^۴ وجود دارند، در کل «گیروها» پول مواد را در کلمبیا جابجا می‌کنند، در حالی که کاساها پول مواد مکزیکی‌ها را جابجا می‌کنند.(وبستر^۱ و مک کمپیل^۲، ۱۹۹۲).

در برخی از طرح‌ها تطهیر کنندگان پول از گروهی (مشهور به نام سمورف^۳) برای تغییر پول نقد به حواله‌های پولی و چک‌های نقدکنندگانی که گیرنده خاصی ندارند یا آنهایی به اسمی ساختگی صادر شده‌اند استفاده می‌کنند. هر انتقالی که کمتر از ۱۰ هزار دلار باشد نیاز به CTR ندارد. حلقه‌ای که در خارج از فورست هیل، نیویورک، کار می‌کند، آدم‌هایی را استخدام کرده که از حدود سی بانک در نیویورک و نیوجرسی استفاده می‌کردند تا مسیر پولی در حدود ۱۰۰ میلیون دلار سالانه را برای کارتل کالی^۴ تطهیر و پاک کنند. چک‌ها لای ورق‌های مجلات قرار گرفته و با کشتی به کالی فرستاده می‌شوند، از آنجا، پول‌ها به بانک‌های پاناما انتقال داده می‌شدند. در سال ۱۹۸۹، پس از آنکه یک بانک متهم به انتقال مبالغ غیرمعمول پول شد، مشخص شد که در

۲- Kaplan

۳- casa

۴- giro

۱- Webster

۲- Mc Campbell

۳- Smurfs

۴- Cali

این کار شانزده نفر دست داشته‌اند(تی، مورگان^۵، ۱۹۸۹) به جرایم ایالتی دست زده‌اند و امنیت افزایش یافته بانک‌ها، تحویلداران مظنون به انتقال نقد زیر ۱۰ هزار دلار را محدود ساخته است. در پاسخ، این گروه‌ها نیز انتقالات خود را به کمتر از ۵ هزار دلار کاهش داده و اغلب دوجین از انتقال دهندگان، در روز، نوعاً در بانک‌هایی که سابقه طولانی در این زمینه ندارند به فعالیت می‌پردازند(والتر^۶، ۱۹۹۰).

عملیات پولشویی شدیداً در اثر پیشرفت فن‌آوری بانکداری آسان گشته است. برای دولت بسیار مشکل شده است که به شیوه‌ای کارا و موثر انتقالات بانکی را تحت نظارت بگیرد. پول شویی جانشینی برای حمل فیزیکی پول از کشور، نقد کردن پول و پس انتقال سرمایه به صورت الکترونیک به بانک‌های داخلی یا خارجی با موسسات سرمایه‌گذاری و... است. دفاتر اجرای قانون سوئیس گزارش می‌دهند، وقتی که پول از کشوری دیگر به شیوه الکترونیک به سوئیس انتقال داده می‌شود، به ندرت پیش می‌آید مستقیماً از کشور اصلی باشد، حتی افزون بر آن، قبلاً در کشور سویسی مثل پاناما، باهاما، جزایر کایمن یا لوکزامبورگ تطهیر شده و آنگاه به سوئیس فرستاده می‌شود (وبستر و مک کمپیل، ۱۹۹۲) حجم خالص انتقال تلگرافی نگه داشتن حساب آنها را مشکل کرده است. یک بانک بزرگ در نیویورک روزانه حضور ۴۰ هزار انتقال تلگرافی انجام می‌دهد.

مشتری می‌تواند کامپیوتر شخصی خود را مستقیماً به کامپیوتر بانک برای انتقال پول از یک حساب در آمریکابه حسابی در بانکی خارجی، وصل نماید. کامپیوتر بانک، سپس به دفتر تهاتر (کلر) بانک می‌گوید که در یک انتقال شرکت کرده است. اگرچه هیچ کس با دیگری صحبتی نکرده است. در حالی که انتقال بیشتر از ۲۰ هزار دلار نقد نیازمند پرکردن یک CTR است. دولت سالانه چیزی بیشتر از ۷ میلیون از چنین گزارش‌هایی را دریافت می‌کند و ناامیدانه بدون مرور آنها، کنار گذاشته می‌شوند. میانگین حجم روزانه انتقالات امریکایی در حدود ۷ میلیارد دلار است. در یک روز ممکن است این مبلغ به ۱/۲۵ تریلیون دلار برسد. (لاباتن^۱، ۱۹۸۹).

به عنوان بخشی از نظارت طرح پولشویی، یک وکیل به سود مشتری شرکت‌هایی را در هر یک از کشورهایی که منافع خاص شخصی دارند به ثبت می‌رساند. مثل پاناما که بیشتر از دویست

۵- Morgan

۶- Walter

۱- Labaton

هزار شرکت ثبت شده‌اند. سرمایه‌ها برای اینکه پولشویی شوند باید نقداً و یا به صورت تلگرافی به حساب شرکت‌ها در بانک‌های محلی ریخته می‌شود. پس از آن، کمپانی پول را به شعبه‌های محلی بانک‌های بزرگ بین‌المللی انتقال می‌دهد. شرکت‌های ثبت شده پس از آن قادرند پول را از شعبات این بانک در ایالات متحده (یا هر کشور دیگری) قرض بگیرند. (والتر، ۱۹۹۰)

کارمندی بین تطهیر کننده پول و شرکت، جهت خدمات مالی قرار می‌گیرد، خدماتی که درآمدهای خوبی به همراه می‌آورند. در برخی موارد وکیل ممکن است یک بانک را همانند یک شرکت به ثبت برساند. تبهکاران نه تنها پول‌های خود را می‌شویند، بلکه آنها: همچنین از مزایای وام‌ها نیز برخوردار می‌شوند به علاوه تحت لوای عمل امنیت بانکی، حمل و نقل فیزیکی یا نوشتاری پول یا سایر ابزارهای سرمایه‌ای خارج از کشور بالای ۱۰ هزار دلار بایستی به خدمات بازرگانی گزارش شود. هر چند، هنگامی که پول خارج از ایالات متحده است، برای IRS مقدر است که رد آن را بگیرد. لیختن اشتاین، ۳۲ هزار نفری، هشتاد هزار کمپانی حقیقی و بانک‌های مربوطه دارد که انتقالات آنها از طریق قوانین امنیتی بانک حمایت و محافظت می‌شود، که کمتر مایلند پولشان توسط مافیای سیسیل، کارتل‌های مواد کلمبیا و تبهکاران سازمان یافته روسی، تطهیر شود (تاگیلیابو^۲، ۲۰۰۰).

سایر روش‌های پولشویی بدون انتقال واقعی پول نقد به خارج از کشور، در برگیرنده و مستلزم نوع دیگری از شرکت‌های قانونی است که کالاها را از آمریکا وارد می‌کنند. نمایندگان کارتل کالی در ایالات متحده در مقابل کالاهای وارداتی که به صادرکنندگان پول به دلار دارند. در عوض، کمپانیهای سهام به کارتل‌های موجود در کلمبیا قیمتی کمتر از نرخ واقعی مبادله پرداختند. (کراس و فرانتز^۱، ۱۹۹۵).

بررسی ما درباره تجارت غیرقانونی مواد چارچوبی را فراهم می‌کند برای درک مسائلی که در مقابل رفتار اجباری قانونی برای محدود کردن قاچاق مواد مخدر خطرناک قرار می‌گیرند.

^۲ - Tagliabu

^۱ - Krauss and Frantz

References

١. "Abadinsky, Howard, "Howard, "Drugs – an introduction", wadsworth pub, ٤ th ed. ٢٠٠١, ٢٤٢ – ٢٧٣
٢. "Anti – Drug Efforts Encounter Resistance in Colombia" ١٩٩٥ New York Times (December ١٢) : ٤
٣. Arax, Mark and Tom Gorman ١٩٩٥ "The States Illicit Farm Belf Export ". Los Angles Times (March ١٣): ١,١٦,١٧.
٤. Brooke, James ١٩٩٥ "Colombias Rebels Grow Rich from Bandity ". New York Times (July ٢) : ١,٤.
٥. Carter, Hodding king of the Jungle "M Inc . (March): ٨٤-٩١
٦. Chaiken, Marcia R. and Bruce D. Johnson ١٩٨٨ Characteristics of Different Tupes of Drug – Involved offenders Washington, DC: National Institute of Justice.
٧. Chin, Ko – lin

۸. ۱۹۹۰ Chinese Subculture and Criminality : Non – Traditional Crime Groups in American. Westport, CT: Greenwood.
۹. Collins, Larry “Colomnian Heroin May Be Increasing” ۱۹۹۱ New York Times (October ۲۷) : ۱۰.
۱۰. Dillon, Sam Ruling Party , at ۷۰, Tries Hard to Cling to Power in Mexico”. New York Times (December ۲۷): ۶.
۱۱. Dillon, Sam Mexicans Tire of Police Graft as Drug Lords Raise Stakes.” New York Times (March ۲۱): ۳.
۱۲. Dillon, Sam “Speed Carries Mexican Drug Dealer to the Top” . New York Times (December ۲۷): ۶.
۱۳. Duzan, Maria ۱۹۹۴ Death Beat New York : Harpercollins.
۱۴. Egan, Timothy ۱۹۹۹a “The war on Crack Retreats, Still Taking Prisoners New york Times ”(February ۲۸): ۱,۲۰-۲۱.
۱۵. Fong Mark Lau ۱۹۸۱ The Sociology of Secret Societies: A Study of Chinese secret Societies in Singapore and Peninsular Malaysia, Oxford, English: Oxford University Press.
۱۶. French, Howard w. ۱۹۹۱ “Filthy Rich Wich a Drug Connection ”. New York Times (August ۶):۶.
۱۷. Goddard, Donald ۱۹۷۸ Easy Money. New York: Farrar, Straus and Giroux
۱۸. Goddard, Laurie ۱۹۹۸ “In Peru, Battle Against Flow of Drugs Meves to Amazon River Maze”. Chicago Tribuve (June ۳۰):۶.
۱۹. Golden. Tim ۱۹۹۹ “U.S. Brushed Aside Mexican Role, Former Drug Chief Says”.New York Times (November ۲۶):۱۲.
۲۰. Goldstein, Paul J.۱۹۸۵ “The Drugs / Violence Nexus” A Tripartire Conceptual Framework.” Journal of Drug Issues ۱۵ (Fall): ۴۹۳-۵۰۶.
۲۱. Harley, Bruce ۱۹۹۰ “Burmas Hidden Wars.” U.S. News & World Report (December ۱۰) : ۴۴-۴۷
۲۲. Hazarika, Sanjoy ۱۹۹۳ “Indian Herison Smugglers Tum to New Cargo”. New Times (February ۲۱):۸۰
۲۳. Howell, James C. and Debra K.Gleason ۱۹۹۹ Youth Gang Drug Trafficking Washington, DC: office of Justice and Delinquency Prevention.

٢٤. Kaplan, David E. ١٩٩٩ "The Golden Age of Crime" . U.S. News & World Report (November) : ٢٢-٢٤.
٢٥. Obrien, John and Jan Crawford Greenburg ١٩٩٦ "Raids Reveal How Little Guys Climb the Drug Ladder" Chicago Tribune (May ٣) : ١,٢١
٢٦. Oconnor, Matt ١٩٩٩ "٣ Who Succeeded Hoover Get Life Tens". Chicago Tribune (January ٩): ٥.
٢٧. ١٩٩٧ "Hoover, ٦ Others Convicted; Seen as Blow to Gang "Chicago Tribune (May ١٠): ١,١٢.
٢٨. Packer, Herbert L., ١٩٨٦ The Limits of the Criminal Sanction. Stanford, CA: Stanford University Press.
٢٩. Packer, Suzi ١٩٩٩ "Ammonias New Cachet" U.S. News & World Report (September ٢٧): ٣٧.
٣٠. Posner, Gerald L. ١٩٨٨ Warlords of Crime : Chinese Secret Social _ the New Mafia . New York : Mc Graw _ Hill.
٣١. Riding, Alan ١٩٨٨ "Dispute Impeding U.S. War on Coca". New York Times (June ٢٨): ١٦.
٣٢. Robinson, Linda ١٩٩٨ "Is Colombia Lost to Rebels." U.S. News & World Report (May ١١): ٣٨ _ ٤٢.
٣٣. Schemo, Dian Jean ١٩٩٧ "Players Are Main Danger in Noisy Colombian Came" New York Times (December ٢٦): ١٠.
٣٤. Schmetzer, Uli ١٩٩١ "Slave Trade Survives, Prospers Across Asia" Chicago Tribune (November ١٥): ١,١٨.
٣٥. Schmetzer, Uli "Prince of Death Is a Wanted Man " Chicago Tribune (March ٢١): ٢١.
٣٦. Spence, Richard T. ١٩٨٩ Current Substance Abuse Trends in Texas. Austin: Texas Commission on Alcohol and Drug Abuse.
٣٧. Tagliabue, John ٢٠٠٠ "the Prince and His Black Sheep : This Is No Lichtenstein Fairy Tale". New York Times (April ٨): ٤.
٣٨. Krauss, Clifford and Douglas Frantz ١٩٩٥ "Cali Drug Cartel Using U.S. Business to Launder Cash." New York Times(October ٣٠) ١,١٣.
٣٩. Labton, Stephen ١٩٨٩ "New Tactics in the war on Drugs Tilt Scales of Justice off Balance" . ." New York Times(December ٢٩): ١,١٤.

۴۰. Lupsha, Peter A. ۱۹۹۱ "Drug Lords and Narco – Corruption : The Players Change But the Game Continues". *Crime, Law and Social Change* ۱۶: ۴۱- ۵۸.
۴۱. McCoy, Alfred W. ۱۹۷۳ *The Politics of Heroin in Southeast Asia*. New York Times (August ۱۴) : ۴.
۴۲. Myers, Willard H., III ۱۹۹۵ "Orb Weavers – the Global Webs : The Structure and Activities of Transnational Ethnic Chinese Group". *Transnational Organized Crime* ۱(Winter): ۱-۳۶.
۴۳. Navarro, Mireya ۱۹۹۸ "Upgraded Drug Traffic Flourishes on Old Route." *New York Times* (May ۳۱): ۱۴.
۴۴. NNICC ۱۹۹۸ *the Supply of Illicit Drugs to the United States: Washington, DC: National Narcotics Intelligence Consumers Committee (NNICO)*.
۴۵. Thoumi, Francisco E. ۱۹۹۵ "The Size a of the Ilgal Drug Insutry." Pages ۷۷-۹۶ in *Drug Trafficking in the Americas*, edited by Bruce M. Bagley and William O. Walker.III. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
۴۶. Tullis, LaMond ۱۹۹۵ *Unintended Consequences : Illegal Drugs and Drug Policies in Nine Countries* Boulder, CO : Lynne Reinner.
۴۷. Wahl, Melissa ۱۹۹۹ "Hitting Wall of Opposition." *Chicago Tribune* (February ۴): Sec . ۳: ۱,۴.
۴۸. Walter, Ingo ۱۹۹۰ *Secret Money : The World of International Financial Secrecy* : New York : Harper Business.
۴۹. Waterston. Alisse ۱۹۹۳ *Addicts in the Plitical Economy*. Philadelphia: Temple University Press.
۵۰. Watson, Russell ۱۹۹۲ *International Money Laundering : Research and Imestigation Join Forces: Washington, DC: National Institute of Justice*.
۵۱. Witkin, Grodon ۱۹۹۱ "The Men Ceated Crack." *U.S. New & World Report* (August ۱۹): ۴۴-۵۳.
۵۲. Wolfgang Marvin E. and Franco Ferracuti ۱۹۶۷ *The Subculture of Violence: Toward an Integratd Theroy inCrimminology*. London: Tavistock.

٥٣. Wren, Christopher S. ١٩٩٩a "Pipeline of Poor Smuggles Heroin" .
New York Times (February ٢١): ٢٨.
٥٤. Wren, Christopher S. ١٩٩٩b "A Purer Form of Heroin Lures New
Users to a long , Hard Fall" . . New York Times (May ٩): ٢٧.